



## Analysis of America's Role in the Arms Race of West Asian Countries (2000 to 2020)

Mohsen Eslami<sup>1</sup> | Mohammad Karampouri<sup>2</sup>

### Abstract

The process of arms competition among the countries of the West Asian region has intensified in the last two decades to the extent that most of the economic incomes of the countries of this region have been spent on defense costs and weapons purchases; But in this competition, America has played a more prominent and important role than other world powers in this region. An important question that is raised in connection with this process is, what was the reason for the prominent role of America in increasing the arms race of West Asian countries? The results show that the United States, as a leading and hegemonic power, has defined the arms trade in West Asia in terms of domestic, regional and global goals, and the causes of the prominent role of the United States can be domestically due to the prosperity of the economy and the arms industry. At the regional level, as a result of the increasing deterrence power of the United States of West Asia against Iran, it includes justifying its presence in West Asia to gain regional hegemony, forming its desired order to dominate the region and fight against terrorism, and at the international level, maintaining and promoting his hegemony in competition with great powers. The theoretical framework of this article is designed based on the theory of neo-realism and the concepts of defense economy. And by using the library method, he collected the data and analyzed them with a descriptive-analytical approach.

**Keywords:** America, West Asia, Arms Race, Iran, Aggressive Realism.

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. M.eslami@modares.ac.ir

2 . PhD student in political science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

## تحلیل نقش آمریکا در رقابت تسلیحاتی کشورهای غرب آسیا (۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰)

محسن اسلامی<sup>۱</sup> | محمد کریمپوری<sup>۲</sup>

۷

سال دوم  
پاییز ۱۴۰۱

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۷/۳۰

مصص: ۴۷-۱۱



### چکیده

فرآیند رقابت تسلیحاتی در میان کشورهای منطقه غرب آسیا در دو دهه اخیر شدت بیشتری یافته است، تا آنجا که بخش اعظم درآمدهای اقتصادی کشورهای این منطقه، صرف هزینه‌های دفاعی و خریدهای تسلیحاتی شده است؛ اما در این رقابت، آمریکا نقش بارز و مهم‌تری نسبت به دیگر قدرت‌های جهانی در این منطقه ایفا کرده است. سؤالی مهمی که در ارتباط با این فرآیند مطرح می‌شود این است که علت نقش برجسته آمریکا در افزایش رقابت تسلیحاتی کشورهای غرب آسیا چه بوده است؟ نتایج نشان می‌دهد که آمریکا به‌عنوان یک قدرت سرکرده و هژمون، تجارت اسلحه در غرب آسیا را در اهداف داخلی، منطقه‌ای و جهانی تعریف کرده است و علل بروز نقش برجسته آمریکا می‌تواند در سطح داخلی ناشی از رونق بخشیدن به اقتصاد و صنعت تسلیحاتی و در سطح منطقه‌ای ناشی از افزایش قدرت بازدارندگی کشورهای غرب آسیا که متحد آمریکا در برابر ایران هستند، توجیه حضور خود در غرب آسیا برای کسب هژمون منطقه‌ای، شکل دادن به نظم موردنظر خود برای تسلط بر منطقه و مبارزه با تروریسم را شامل می‌شود و در سطح بین‌المللی حفظ و ارتقای هژمونی خود در رقابت با قدرت‌های بزرگ است. چارچوب نظری مقاله حاضر، بر مبنای نظریه نواقح‌گرایی و مفاهیم اقتصاد دفاعی طراحی شده است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، داده‌ها را جمع‌آوری نموده و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به تحلیل آن‌ها پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** آمریکا، غرب آسیا؛ رقابت تسلیحاتی؛ ایران؛ واقع‌گرایی تهاجمی.

## مقدمه

غرب آسیا که به لحاظ استراتژیک در تقاطع اروپا، آسیا و آفریقا قرار دارد از دیرباز کانون مهم سیاست خارجی آمریکا بوده است. این کشور همچنین منافع بلندمدتی در غرب آسیا دارد که ناشی از اهمیت اقتصادی منطقه به عنوان منبع اصلی نفت و گاز جهان است. آمریکا روابط نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و دیپلماتیک قوی با چندین کشور غرب آسیا از جمله؛ رژیم صهیونیستی، مصر، اردن و شش عضو شورای همکاری خلیج فارس<sup>۱</sup> دارد: بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات. روابط امنیتی آمریکا در منطقه بر اساس عمل‌گرایی، نگرانی‌های مشترک امنیتی و منافع اقتصادی از جمله؛ فروش گسترده تسلیحات آمریکا به کشورهای منطقه بناشده است (رابینسون،<sup>۲</sup> ۲۰۲۱: ۱۴۶-۱۴۳).

در این راستا، فروش تسلیحات ابزار مهمی است که دولت‌ها می‌توانند از آن برای اعمال نفوذ خود استفاده کنند. غرب آسیا مدت‌هاست که محرک اصلی تجارت جهانی تسلیحات به میزان نامتناسب با جمعیت آن بوده است. برخی از دولت‌ها در این منطقه به شدت نظامی شده و به خریداران عمده تسلیحات تبدیل شده‌اند که از طریق مشارکت با حامیان خارجی و ثروت حاصل از ذخایر عظیم انرژی، قدرت یافته‌اند (سرویس تحقیقات کنگره<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰: ۱). براین اساس، کمک‌های نظامی قدرت یا قدرت‌های مداخله‌گر به متحدان منطقه‌ای خود در قالب پیمان‌های نظامی و ارسال سلاح و تجهیزات جنگی و از سوی دیگر، وجود برخی دولت‌های مصنوعی<sup>۴</sup> (ساختگی) در منطقه، دور باطلی از خرید تسلیحات را ایجاد کرده که سرانجام ناموزون شدن رقابت تسلیحاتی از پیامدهای آن محسوب می‌شود. (قاسمی و پورجم، ۱۳۹۳: ۸۱). بر طبق آمار و داده‌ها، در این رقابت تسلیحاتی آمریکا نقش بارزی را ایفا می‌کند. واردات تسلیحات توسط کشورهای غرب آسیا در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۵ نسبت به سال ۲۰۱۴-۲۰۱۰، ۶۱ درصد افزایش یافته است. پنج کشور از ۱۰ کشور بزرگ واردکننده تسلیحات جهان در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۵ در غرب آسیا بودند: عربستان سعودی که ۳۵ درصد از انتقال تسلیحات به منطقه را دریافت کرد، مصر (۱۶)

1. Gulf Cooperation Council
2. Robinson
3. Congressional Research Service

۴. دولت‌هایی که به وسیله قدرت‌های بزرگ استقلال یافته‌اند.

درصد)، امارات (۹,۷ درصد)، عراق (۹,۷ درصد) و قطر (۹,۶ درصد). آمریکا ۵۳ درصد از کل انتقال تسلیحات به منطقه، فرانسه ۱۲ درصد و روسیه ۱۱ درصد را تأمین کردند. واردات تسلیحات قطر ۶۳۱ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۴-۲۰۱۰ بود و برای اولین بار وارد ۱۰ کشور برتر شد (وزمان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۱).

در حال حاضر رقابت تسلیحاتی در غرب آسیا به شکل بی‌پایانی توسط کشورهای این منطقه با نقش و دخالت بی‌بدیل آمریکا دنبال می‌شود. افزایش فزاینده عرضه محصولات نظامی و تسلیحات پیشرفته از سوی آمریکا به دیگر کشورها و به‌ویژه کشورهای درگیر جنگ به نوعی به رقابت تسلیحاتی در یک سو و گسترش کشمکش‌ها دامن زده است. این در حالی است که این روند از سوی آمریکا باهدف افزایش ثبات در مناطق مختلف جهان توجیه می‌شود (بریگان، ۱۳۸۸: ۸۵). البته کشورهای دیگر نیز به منطقه غرب آسیا سلاح صادر می‌کنند مانند روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا...؛ اما میزان حجم صادرات تسلیحات آمریکا به منطقه غرب آسیا بیشتر از کشورهای دیگر است. با توجه به توضیحات فوق، چرایی نقش آمریکا در رقابت تسلیحاتی کشورهای غرب آسیا هدف این پژوهش است.

## پیشینه تحقیق

سرویس تحقیقات کنگره آمریکا (۲۰۲۰)، در گزارش خود با عنوان «فروش تسلیحات در غرب آسیا: روندها و دیدگاه‌های تحلیلی برای سیاست ایالات متحده» که در سال ۲۰۲۰ منتشر نموده، فروش تسلیحات در غرب آسیا را با تمرکز ویژه بر نقل و انتقالات آمریکا که توسط کنگره مجاز و بررسی شده است، تجزیه و تحلیل می‌کند. این گزارش سپس به بررسی عمیق‌تر فروش تسلیحات، عمدتاً از آمریکا، به شش کشور غرب آسیا: مصر، عراق، رژیم صهیونیستی، قطر، عربستان سعودی و امارات می‌پردازد.

موسسه صلح سیپری<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) که گزارش‌ها، آمارها و داده‌ها را در زمینه تجارت جهانی تسلیحات و قراردادهای تسلیحاتی بین دولت‌ها را بررسی می‌کند در گزارش خود در سال ۲۰۱۹،

1. Wezeman  
2. Stockholm International Peace Research Institute

با عنوان «تجارت جهانی تسلیحات: ایالات متحده تسلط خود را افزایش می‌دهد (سپیری می‌گوید که جریان تسلیحات به غرب آسیا افزایش یافته است)» توضیح می‌دهد که بیش از نیمی (۵۲ درصد) از صادرات تسلیحات آمریکا به غرب آسیا در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۴ انجام شده است و واردات تسلیحات کشورهای غرب آسیا بین سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۴ نسبت به ۲۰۱۳-۲۰۰۹، ۸۷ درصد افزایش یافته است و ۳۵ درصد از واردات تسلیحات جهانی در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸ را به خود اختصاص داده است.

کوردزمان<sup>۱</sup> و هرینگتون<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در گزارش خود با عنوان «کشورهای عربی خلیج فارس و ایران: هزینه‌های نظامی، نوسازی و تغییر موازنه نظامی» روند رقابت تسلیحاتی در این بخش از غرب آسیا بررسی می‌کند. این گزارش طیف وسیعی از منابع را برای ردیابی تاریخ رقابت تسلیحاتی خلیج فارس از نظر هزینه‌های نظامی، انتقال تسلیحات و نرخ‌های مقایسه‌ای مدرن سازی نظامی مقایسه می‌کند.

قاسمی و پورجم (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «رقابت تسلیحاتی، ثبات راهبردی و نظم منطقه‌ای غرب آسیا»، به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشند که در منطقه‌ی غرب آسیا چه متغیرهای سبب شکل‌گیری رقابت تسلیحاتی شده است. در پاسخ عنوان می‌کند که ناکارآمدی محیط راهبردی غرب آسیا علت اصلی رقابت تسلیحاتی محسوب می‌شود و ثبات راهبردی پیش شرط رژیم کنترل تسلیحات در این منطقه است. به دلیل عدم وجود ثبات راهبردی در منطقه‌ی غرب آسیا ضمن عدم شکل‌گیری رژیم امنیتی جامع رسمی، رقابت تسلیحاتی به‌عنوان یک واقعیت در این نظم منطقه‌ای محسوب می‌شود.

به‌طور کلی تفاوتی که در پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های فوق وجود دارد این است که چرایی نقش آمریکا در رقابت تسلیحاتی کشورهای غرب آسیا در بعدها داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تحلیل و هدف این پژوهش است و از چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی برای توضیح نقش آمریکا در رقابت تسلیحاتی کشورهای غرب آسیا در بعدها منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده نموده و از چارچوب مفهومی اقتصاد دفاعی و تعریف مفاهیم آن را برای تشریح بعد

1. Cordesman  
2. Harrington

داخلی آمریکا به کاربرده شده است و در پایان بر این نتیجه تأکید می‌شود که در حال حاضر رقابت تسلیحاتی در غرب آسیا به شکل بی‌پایانی توسط کشورهای این منطقه با نقش و دخالت تأثیرگذار آمریکا دنبال می‌شود.

## روش تحقیق

در تحقیقات توصیفی-تحلیلی که رویکرد این مقاله است محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلال محکمی دارد این تکیه‌گاه بر اساس، جست‌وجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود نظیر قوانین، نظریه‌ها درباره آن فراهم می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۱-۶۳).

در این راستا، روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است که در این نوع روش، استفاده از حقایق، آمارها، کتاب‌ها، مأخذ و اسناد موجود و همچنین چه کتبی باید مورد مطالعه قرار گیرد و سابقه موضوع تحقیق، مهم هستند. محقق با مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها و تحقیقات دیگران که در حوزه موضوع، موردعلاقه او است می‌تواند موضوع تحقیق خود را بیشتر بشناسد و ابعاد آن را ببیند و هدف یا هدف‌های تحقیقی خود را خالص‌تر سازد (طاهری، ۱۳۸۹: ۱۸۱). همچنین در این روش، سایت‌ها و سیستم‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، نظیر اینترنت، کار ذخیره‌سازی، بازیابی، مبادله، انتقال و انتشار اطلاعات را با سریع‌ترین زمان مقدور ساخته، محقق را با حجم فراوانی از اطلاعات روبه‌رو می‌سازد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۰۰).

بنابراین، تحقیقات توصیفی و تحلیلی هر دو نقش مهمی دارند. اولی نشان می‌دهد که داده‌ها چگونه به نظر می‌رسند درحالی که دومی علت و معلول را بررسی می‌کند. تحقیق توصیفی می‌پرسد «چی؟» چیزی را توصیف می‌کند یعنی؛ توصیف نقش آمریکا در رقابت تسلیحاتی غرب آسیا. در همین حال، تحقیقات تحلیلی می‌پرسد «چرا؟» در اینجا سعی در بررسی این سؤال می‌شود که چگونه چیزی به وجود آمده است؛ یعنی چرایی نقش آمریکا در این رقابت؛ بنابراین در این پژوهش اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری می‌شوند و سپس

با رویکرد مورد نظر استدلال که رویکرد توصیفی - تحلیلی نام دارد مورد تجزیه و تحلیل عقلایی قرار گرفته و نتیجه گیری می شوند.

## مبانی نظری

چارچوب نظری این مقاله بر اساس نظریه واقع گرایی تهاجمی و اقتصاد دفاعی با تأکید بر جنبه های مهم مفاهیم آن یعنی صنایع تسلیحاتی، صادرات تسلیحاتی و به طور کلی تجارت اسلحه طراحی شده است.

از نظر اندرتون، منطقی به نظر می رسد که نتیجه گیری کنیم که اقتصاد تجارت تسلیحات اساساً یک زیرشاخه ناشناخته از اقتصاد دفاعی است که برای مباحث نظری و بنیادی آماده است (اندرتون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵: ۵۵۲). آن ها را می توان به عنوان صنایع استراتژیک اقتصادی تجزیه و تحلیل کرد که در آن ها هم تحقیق و توسعه و هم مقدار تولید مهم هستند و منجر به کاهش هزینه صنایع می شوند که منعکس کننده صرفه جویی در مقیاس و یادگیری است. در این بخش امکان رانت های انحصاری، نقشی را برای دولت فراهم می کند که می تواند در تجارت اسلحه مهم باشد. تعاریف مختلفی از تسلیحات یا صنایع دفاعی ارائه شده است. به عنوان مثال؛ می توان به موارد زیر اشاره کرد: «پایگاه صنعتی دفاعی متشکل از آن دسته از دارایی های صنعتی است که عناصر کلیدی قدرت نظامی و امنیت ملی را فراهم می کند: چنین دارایی ها نیازمند توجه ویژه از سوی دولت هستند» یا «کلیه تأمین کنندگان دفاعی که ارزش، اشتغال، فناوری یا دارایی های فکری در کشور ایجاد می کنند» یا «شرکت هایی هستند که تجهیزات دفاعی را در اختیار وزارت دفاع قرار می دهند» (هارتلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۱۱۴۸-۱۱۴۰).

در حوزه صادرات در درجه اول به تجزیه و تحلیل بازارهای در حال گسترش برای شرکت های حوزه دفاعی در سطح ملی و بین المللی می پردازد. هدف یافتن جایگاه هایی برای کاربرد محصولات جدید مفید در زمینه دفاع و امنیت و همچنین فناوری های دوگانه است. این مطالعه بر اساس احتمالات، رقبا و سیاست های نفوذ تجاری است. به طور خلاصه، این در مورد توسعه هوش

1. Anderton  
2. Hartley

اقتصادی و صنعتی است. در درجه دوم، خدمات مشاوره‌ای به دولت‌های خارجی در خصوص سیاست‌های ارتقای صنعت دفاعی، سازمان و مدیریت داخلی از سوی وزارتخانه‌های دفاع ارائه می‌شود (فونفریا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱).

در زمینه اقتصاد دفاعی و صادرات، بازارهای دفاعی امکان تجارت و مبادله با سود متقابل را فراهم می‌کند (هارتلی، ۲۰۲۰: ۵). در این راستا، برای مجتمع‌های تسلیحاتی، تجارت اسلحه اهمیت دارد اصطلاح «تجارت اسلحه» به زیرمجموعه‌ای از انتقال تسلیحات اشاره دارد و با فروش، صادرات یا واردات تسلیحات و تجهیزات مرتبط با دیگر انواع محموله‌های نظامی مانند کمک و هدایا مشخص می‌شود. فروش تسلیحات بین تأمین کنندگان و دریافت کنندگان که ممکن است دولت‌ها، گروه‌ها یا گروه‌های خارجی، شرکت‌ها یا افراد باشند انجام می‌شود. بیشترین فروش اغلب بین دولت‌ها انجام می‌شود و می‌تواند به میلیاردها دلار برسد (پیرسون و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۱۲۵).

یک رویکرد برای اندازه‌گیری تولیدات دفاعی بر مزایای اقتصادی آن متمرکز است و شامل کمک آن به رونق اقتصاد در عرصه ملی و بین‌المللی، اجتناب از درگیری و صرفه‌جویی در هزینه‌های صلح و همچنین سهم نیروهای مسلح و صنایع دفاع ملی در مشاغل، فناوری، صنایع جانبی، صادرات و صرفه‌جویی در واردات می‌شود. اقتصاددانان بر ارزش استفاده جایگزین منابع مورداستفاده نیروهای مسلح و صنایع دفاعی تمرکز می‌کنند. آیا منابع به کار گرفته شده توسط نیروهای مسلح و صنایع دفاعی سهم بیشتری در مشاغل، فناوری و تراز پرداخت‌ها در صورت استفاده در سایر نقاط اقتصاد خواهد داشت؟ (هارتلی، ۲۰۲۰: ۶۹). از سویی دیگر، یکی از عوامل اقتصادی کلیدی در وضعیت تأمین تسلیحات، نیاز به فعال نگه داشتن تأسیسات داخلی تولید تسلیحات است به‌عنوان مثال؛ برای ایجاد درآمد کافی برای سرمایه‌گذاری مجدد در تحقیق و توسعه (پیرسون و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲۷)؛ بنابراین، مجتمع‌های صنعتی و نظامی هر کشور در تجارت اسلحه از منظر اقتصاد دفاعی نگریده می‌شود که می‌تواند منفعت‌های اقتصادی برای کشور صادرکننده داشته باشد.

1. Fonfria  
2. Pearson



از سویی دیگر، نظریه واقع‌گرایی از مهم‌ترین رهیافت‌هایی است که به تبیین رقابت تسلیحاتی پرداخته است. انتخاب رئالیسم تهاجمی به‌عنوان یک چارچوب نظری بر این مبنا قرار دارد که توضیحی از رابطه بین قابلیت‌های نظامی و استراتژی‌ها یا اهداف سیاست خارجی ارائه می‌دهد. توانمندی‌های نظامی در مقابل سایر دولت‌ها جایگاه یک دولت را در نظام بین‌الملل و قدرت بزرگ یا هژمون منطقه‌ای بودن آن کشور را مشخص می‌کند. استراتژی‌ها یا اهداف سیاست خارجی هر زمان که توانایی‌های یک کشور تغییر کند به تناسب تغییر می‌یابد. قدرت توانایی‌های یک دولت، تعیین‌کننده موقعیت آن در نظام بین‌الملل و نحوه تدوین و اجرای سیاست خارجی است (پریفیتی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۵۱). در این راستا، مرشایمر به‌عنوان نظریه‌پرداز اصلی واقع‌گرایی تهاجمی محسوب می‌شود. در اینجا به بررسی چارچوب مقاله بر اساس مفروضات واقع‌گرایی تهاجمی می‌پردازیم.

به‌طور خاص، واقع‌گرایی تهاجمی مرشایمر بر پنج فرض اصلی متکی است و چهار مفروض آن ویژگی‌های اساسی سیاست بین‌الملل را مشخص می‌کند.

۱. نظام بین‌الملل آنارشیک است. تصویر آنارشی یک اصل نظم‌دهنده است که نظام بین‌الملل را متشکل از دولت‌های مستقلی می‌داند که از هیچ اقتدار مرکزی پیروی نمی‌کنند.
۲. قدرت‌های بزرگ به ذات دارای حدی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی هستند که به آن‌ها توان صدمه زدن و شاید انهدام یکدیگر را می‌دهد. دولت‌ها بالقوه برای یکدیگر خطرناک هستند. معمولاً قدرت نظامی یک دولت با توجه به میزان برخی تسلیحات خاص که در اختیار دارد، ارزیابی می‌شود.
۳. دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در مورد مقاصد و نیات دولت‌های دیگر مطمئن باشند. به‌ویژه هیچ دولتی نمی‌تواند اطمینان داشته باشد که دولت دیگر از توانایی نظامی تهاجمی خود علیه او استفاده نمی‌کند. بنابراین؛ دولت‌ها در مورد سیاست‌های تهاجمی به یکدیگر اعتماد ندارند.
۴. نخستین و اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ تضمین بقاست. خصوصاً اینکه، دولت‌ها در پی حفظ تمامیت ارضی و استقلال نظم سیاست داخلی‌شان هستند. بقا در رأس اهداف و

1. Prifti

انگیزه‌های دیگر قرار دارد بنابراین، حفظ امنیت مهم‌ترین هدف هر دولت است.  
۵. پنجمین مفروض: قدرت‌های بزرگ بازیگران عقلایی‌اند. آن‌ها نسبت به محیط خارجی خود آگاه‌اند و برای بقای خود در این محیط رفتار استراتژیک مناسب را انتخاب می‌کنند (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۵).

مرشایمر با ترکیب این مفروضات نتیجه‌گیری می‌کند که دولت‌ها به‌زودی متوجه می‌شوند که کارآمدترین راه برای تضمین بقا در هرج و مرج حداکثر رساندن قدرت نسبی آن‌ها باهدف نهایی تبدیل شدن به قوی‌ترین قدرت یعنی یک هژمون است. با این حال، همه کشورها نمی‌توانند به‌طور هم‌زمان قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند؛ بنابراین تا زمانی که آنارشیک باقی بماند، سیستم دولتی عرصه رقابت امنیتی بی‌امان است (تافت ۱، ۲۰۰۵: ۳۸۳). از دید مرشایمر برای واقع‌گرایان تدافعی، حفظ قدرت به جای افزایش آن، هدف اصلی دولت‌هاست. از سوی دیگر، واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که در سیاست جهانی قدرت‌هایی که از وضعیت موجود حمایت می‌کنند به‌ندرت یافت می‌شوند، زیرا این سیستم انگیزه‌های قدرتمندی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا به دنبال فرصت‌هایی برای کسب قدرت به قیمت رقبای خود باشند و از آن موقعیت‌ها استفاده کنند. زمانی که منافع بیشتر از هزینه‌ها باشد هدف غایی یک دولت این است که هژمون در نظام باشد (انستیتیوی مطالعات استراتژیک اسپانیا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۴۹-۵۰). واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که دولت‌ها تا آنجا که امکان داشته باشد، به‌سوی کسب قدرت بیشتر (توانایی مادی به‌ویژه نظامی) به‌صورت قدرت جهانی، سرکرده (هژمون و یا حداقل قدرت منطقه‌ای) سوق داده می‌شوند. این وضعیت سبب می‌گردد تا آن‌ها به دنبال تعقیب سیاست‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه باشند (قوم، ۱۳۹۲: ۳۰۸). واقع‌گرایان تهاجمی مانند مرشایمر درگیری و جنگ را بیش از واقع‌گرایی دفاعی و التز پیش‌بینی می‌کنند. دولت‌ها هرگز احساس رضایت نمی‌کنند و آن‌ها به دنبال دستیابی به قدرت بیشتر هستند (اسنایدر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۱۵۳).

1. Toft  
2. Revista del Instituto Español de Estudios Estratégicos  
3. Snyder

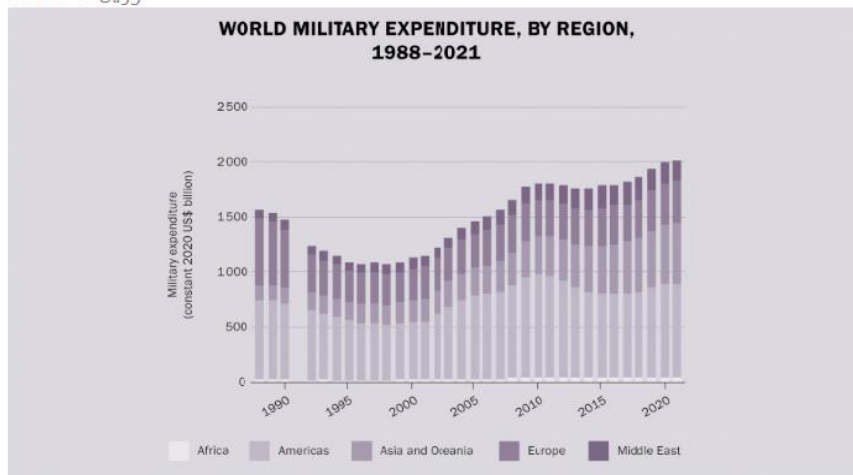
## ۱- غرب آسیا و رقابت تسلیحاتی

گانگوپادهای از موسسه سیپری رقابت تسلیحاتی را این طور تعریف می کند: یک رقابت بین دولتی است که باعث می شود که دولت ها، نوآوری، طراحی و به کارگیری کشنده ترین فناوری های جنگ را به منظور دستیابی به دست برتر در برابر کشورهای رقیب خود ایجاد کنند. با این حال، مسابقات تسلیحاتی همچنین خطر ناگهانی تخریب متقابل را به عنوان یک محصول جانبی ناخواسته از هر دو کشور در تلاش برای دستیابی به برتری در میدان جنگ ایجاد می کند. این چارچوب کنش-واکنش با چندین مدل برجسته روابط بین الملل مانند معضل امنیتی، مدل مارپیچی و نظریه نئورئالیستی ساختاری سازگار است (گانگوپادهای<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۱). بر همین اساس، رئالیست های تهاجمی استدلال می کنند که همه دولت ها، دولت های تجدیدنظرطلب هستند و می توانند توانایی های خود را به حداکثر برسانند، زیرا این شانس آن ها را برای مقاومت در برابر حمله سایر کشورها به حداکثر می رساند. از آنجایی که همه دولت ها دارای قابلیت های تهاجمی هستند و همه دولت ها به طور هم زمان می خواهند گسترش پیدا کنند، هیچ دولتی نمی تواند احساس امنیت کند، مگر اینکه به موقعیت هژمونیک در نظام بین الملل دست یابد. دولت ها با ایجاد عدم تعادل قدرت به نفع خود به امنیت دست می یابند به طور معمول، این عدم توازن قدرت تنها می تواند به هژمونی سیاسی در منطقه، جایی که قدرت بزرگ از نظر جغرافیایی در آن قرار دارد، ترجمه شود، زیرا به دلیل هزینه ها و دشواری های برنده شدن در جنگ ها در قاره های دیگر است (ویول<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷: ۱۰).

در همین راستا، در بعد منطقه ای و جغرافیایی، یکی از مناطقی که بیشترین رقابت تسلیحاتی در آن صورت می گیرد منطقه غرب آسیا است که بیشترین واردات سلاح و هزینه های نظامی را به خود اختصاص داده است. نمودار شماره (۱)، هزینه های نظامی جهان، بر اساس مناطق، ۱۹۸۸-۲۰۲۱، در نمودار همان طور که نشان داده شده هزینه های نظامی منطقه غرب آسیا نسبت به مناطق دیگر در حال افزایش است؛ بنابراین، هرچقدر از سال ۱۹۸۸ به سال ۲۰۲۱ نزدیک می شویم میزان هزینه های نظامی منطقه غرب آسیا نسبت به مناطق دیگر بالا می رود.

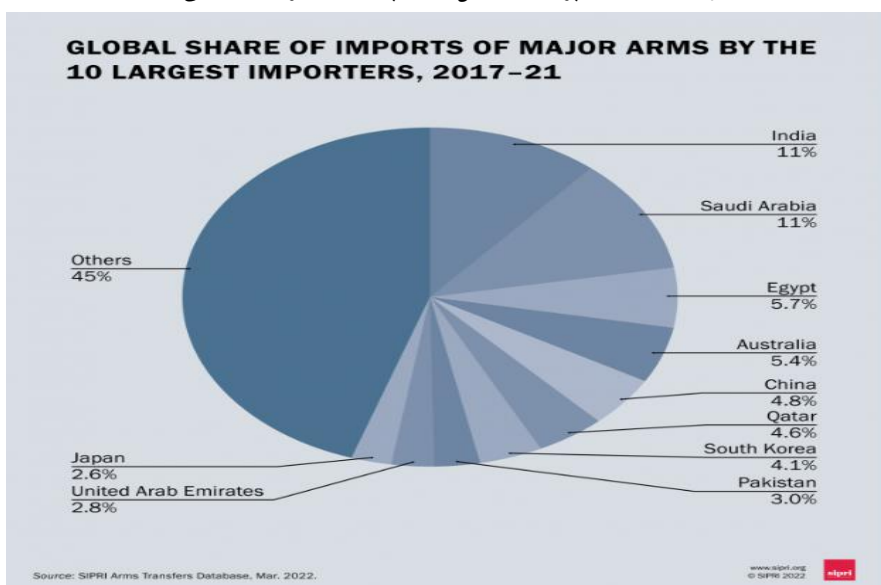
1. Gangopadhyay  
2. Wivel

آوریل 2022



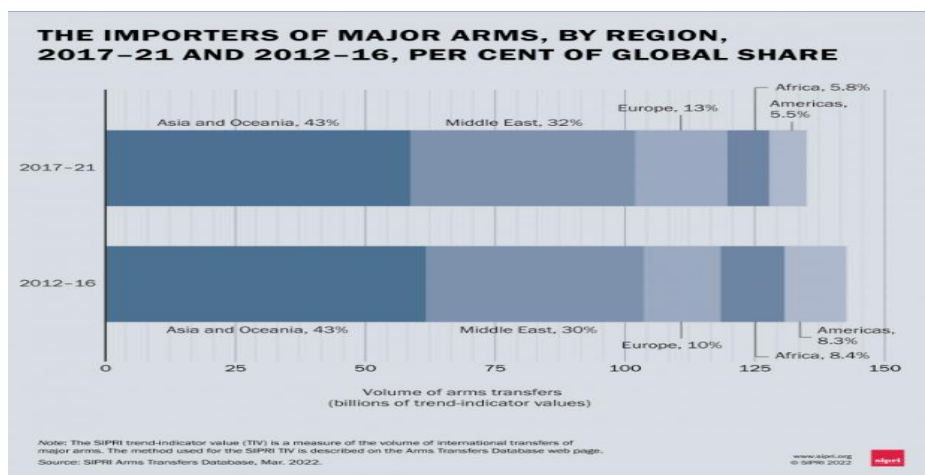
هزینه‌های نظامی جهان، بر اساس منطقه، 2021-1988

نمودار شماره ۱. (سپری، ۲۵ آوریل ۲۰۲۲: پایگاه داده هزینه‌های نظامی)



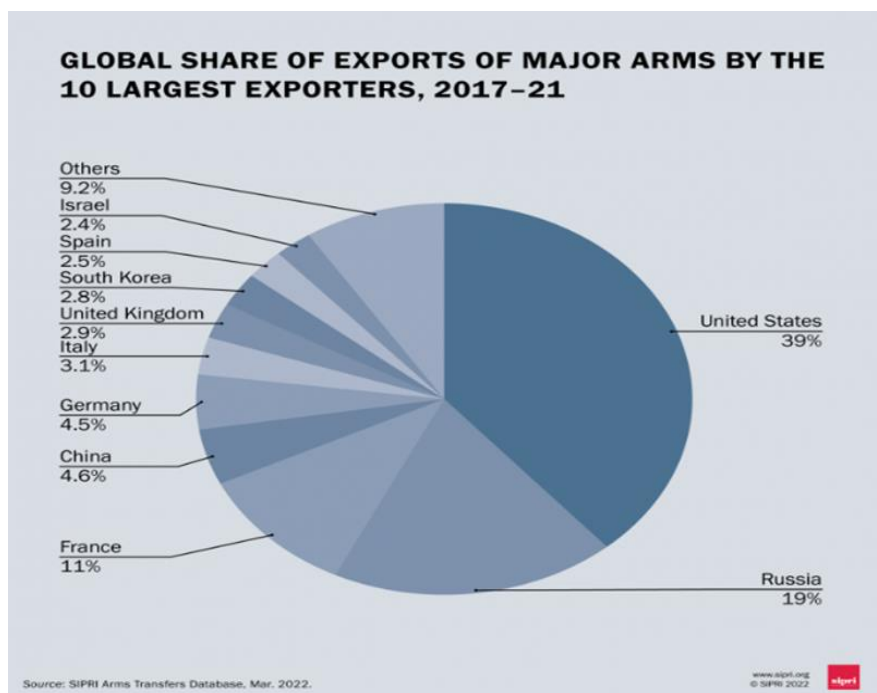
نمودار شماره ۲. سهم جهانی واردکننده اسلحه توسط ۱۰ واردکننده بزرگ (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱) (سپری، ۲۰۲۲: تجارت بین‌المللی تسلیحات)

از بین ۱۰ کشور بزرگ واردکننده تسلیحات در جهان، کشورهای عربستان، مصر، امارات و قطر به منطقه غرب آسیا تعلق دارند.



نمودار شماره ۳. واردکنندگان عمده سلاح بر اساس منطقه و درصد سهم جهانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ (سیبری ۲۰۲۲: تجارت بین‌المللی تسلیحات)

واردات اسلحه در غرب آسیا از ۳۰ درصد بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ به ۳۲ درصد بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ افزایش یافته است. به علت رقابت شدید تسلیحاتی بین کشورهای غرب آسیا، انتظار می‌رود سهم غرب آسیا نسبت به مناطق دیگر بیشتر هم شود (سیبری، ۲۰۲۲: تجارت بین‌المللی تسلیحات).



نمودار شماره ۴. سهم جهانی صادرات اسلحه توسط ۱۰ کشور عمده صادرکننده در جهان (۲۰۱۷-۲۰۲۱) (سپری، ۲۰۲۲: تجارت بین‌المللی تسلیحات)

همان‌طور که در نمودار شماره ۴ نشان داده شده، آمریکا و روسیه بیش از نیمی از سلاح‌های اصلی جهان را صادر می‌کنند. در نمودار آماری شماره ۵، هزینه‌های نظامی کشورهای غرب آسیا به صورت نسبی سال به سال در حال افزایش است که بخشی از این هزینه‌های نظامی صرف خرید تسلیحات می‌شود و به تناسب، افزایش هزینه‌های نظامی کشورهای غرب آسیا نیز نقش مهمی در تشدید رقابت تسلیحاتی در این منطقه را به دنبال دارد.

Military expenditure by country as percentage of gross domestic product, 1988-2020 © SIPRI 2021

Country	Notes	2005	2006	2007	2008	2009	2010	2011	2012	2013	2014	2015	2016	2017	2018	2019	2020
<b>Middle East</b>																	
Bahrain	95	3.2%	3.1%	3.0%	2.8%	3.6%	3.3%	3.6%	3.8%	4.1%	4.4%	4.6%	4.7%	4.3%	4.1%	4.1%	4.1%
Egypt	¶	2.7%	2.6%	2.4%	2.2%	2.0%	2.0%	1.8%	1.6%	1.6%	1.7%	1.7%	1.7%	1.4%	1.2%	1.2%	1.2%
Iran	96	3.0%	3.3%	2.7%	2.7%	3.0%	2.8%	2.4%	2.8%	2.2%	2.3%	2.8%	3.0%	3.1%	2.5%	2.1%	2.2%
Iraq	¶ 97	2.2%	1.9%	2.2%	2.4%	2.9%	2.7%	2.3%	1.9%	3.3%	3.0%	5.4%	3.5%	3.9%	2.9%	3.4%	4.1%
Israel	98	6.3%	6.0%	6.4%	6.4%	6.1%	5.9%	5.8%	5.7%	5.6%	5.8%	5.5%	5.5%	5.5%	5.3%	5.2%	5.6%
Jordan		4.8%	4.7%	6.0%	6.2%	6.6%	5.9%	5.5%	4.7%	4.2%	4.3%	4.3%	4.5%	4.8%	4.6%	4.6%	5.0%
Kuwait	99	4.3%	3.5%	3.6%	3.0%	4.0%	3.8%	3.5%	3.4%	3.3%	3.6%	5.0%	5.9%	5.6%	5.1%	5.5%	6.5%
Lebanon		4.5%	4.6%	4.6%	4.0%	4.0%	4.1%	4.1%	4.0%	4.2%	4.7%	4.5%	5.1%	4.5%	5.0%	4.7%	3.0%
Oman	± 100	8.8%	8.1%	7.7%	5.7%	7.0%	6.4%	7.4%	12.1%	11.1%	10.1%	10.9%	12.1%	9.6%	9.5%	8.6%	10.9%
Qatar		2.0%	1.8%	2.0%	2.0%	2.0%	1.5%	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
Saudi Arabia	§ 101	7.7%	7.8%	8.5%	7.4%	9.6%	8.6%	7.2%	7.7%	9.0%	10.7%	13.3%	9.9%	10.2%	9.5%	7.8%	8.4%
Syria		5.0%	4.4%	4.1%	3.6%	4.0%	4.1%	..	..	..	..	..	..	..	..	..	..
Turkey	1	2.4%	2.4%	2.2%	2.2%	2.5%	2.3%	2.0%	2.0%	1.9%	1.9%	1.8%	2.1%	2.1%	2.5%	2.7%	2.8%
UAE	102	3.7%	3.2%	3.3%	3.7%	5.5%	6.0%	5.5%	5.1%	6.0%	5.6%	..	..	..	..	..	..
Yemen	103	4.9%	4.3%	4.9%	4.4%	5.7%	4.7%	4.9%	4.6%	4.1%	4.0%	..	..	..	..	..	..
Yemen, North	104	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx	xxx

نمودار ۵. هزینه‌های نظامی بر اساس کشور به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۰۰۵-۲۰۲۰ (سپیری، ۲۰۲۱)

## ۲- مهم‌ترین علل رقابت تسلیحاتی در غرب آسیا

تئوری رئالیسم تهاجمی ساختار داخلی الگوی نظری ژئوپلیتیک مشخص شده رقابت‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهد که ماتریکس غایت شناختی مرکزی خود را بر اساس بحران‌های بین‌المللی، گره‌های استراتژیک، تثبیت و گسترش قدرت نسبی دولت‌ها قرار می‌دهد (ویتو<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۱۷۲). برای رئالیسم تهاجمی، رقابت دائمی است. قدرت‌هایی که به هژمونی منطقه‌ای دست یافته‌اند به دنبال افزایش فاصله با رقبای بالقوه منطقه‌ای هستند (گردان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۱۳۵). بر همین اساس، چندین عامل، تقاضای زیادی برای تسلیحات در منطقه ایجاد کرده است. بسیاری از کشورها با تهدیدات تروریستی فراملی و در برخی موارد با شورش‌های داخلی مواجه هستند. علاوه بر این، بسیاری از کشورها دارای ارتش‌های بزرگی هستند که اغلب نقش برجسته و حتی

1. De Vito  
2. JORDÁN

مسلط را در سیاست داخلی و بین‌المللی ایفا می‌کنند. پیشرفت در فناوری و قابلیت‌ها باعث شده است که برخی از سیستم‌ها منسوخ شوند و نیاز به خریدهای جدید ایجاد شود. برخی استدلال کرده‌اند که اهمیتی که دولت‌های غرب آسیا آشکارا به خرید تسلیحات بزرگ می‌دهند از نقش تسلیحات در ایجاد اعتبار بین‌المللی و همچنین غرور و هویت ملی ناشی می‌شود. این‌ها مشوق‌های قوی در منطقه‌ای است که مشروعیت آن به‌طور گسترده مورد مناقشه است و برخی از دولت‌ها کمتر از نیم‌قرن پیش مستقل شدند (کلایتون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷: ۳). دلایل زیادی برای شکل‌گیری رقابت تسلیحاتی و افزایش هزینه تسلیحاتی در غرب آسیا وجود دارد اما در اینجا به سه دلیل مهم آن اشاره می‌کنیم.

#### ۱. اقتصاد ناشی از منابع انرژی، بخش اعظم دولت‌های غرب آسیا

بر مبنای رئالیسم تهاجمی، در غرب آسیا مانند برخی دیگر از مناطق جهان، نیروهای مسلح چیزی بیش از ابزاری برای دفاع از یک کشور هستند. اندازه، تجهیزات و هزینه آن‌ها به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده قدرت و موقعیت عمل می‌کند و به‌نوبه خود اعتبار و رضایت را افزایش می‌دهد. جاه‌طلبی‌های حاکمان در نهایت، وجوه موجود و ثروت نفتی که در اختیار حاکمان است، به آن‌ها اجازه می‌دهد تا برای خرید جدیدترین فن‌آوری نظامی، پول را عاقلانه خرج کنند (جارزابک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶: ۱). از سویی دیگر، غرب آسیا منطقه‌ای با هزینه‌های نظامی بالا نسبت به تولید ناخالص داخلی<sup>۳</sup> است و به همین ترتیب دارای سطوح بالایی از واردات تسلیحات است. این منطقه نسبت به اندازه اقتصادی خود، سطح بالایی از انتقال تسلیحات متعارف عمده را دریافت می‌کند. بسیاری از کشورهای منطقه در حال مدرن‌سازی تجهیزات نظامی خود هستند. این امر با رشد اقتصادی قوی و قیمت بالای نفت امکان‌پذیر شده است و تنش‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای را هدایت می‌کند (فریمن، ۲۰۰۹: ۱). هزینه‌های نظامی یک کشور به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی که به‌عنوان بار نظامی نیز شناخته می‌شود ساده‌ترین معیار برای بار اقتصادی نسبی ارتش بر روی کشور است به‌طور متوسط، کشورهای غرب آسیا با ۴٫۳ درصد تولید ناخالص داخلی، بالاترین بار نظامی

1. Clayton  
2. arzabek  
3. GDP



را در سال ۲۰۲۱ داشتند. پس از آن اروپا (۱,۸ درصد)، آسیا و اقیانوسیه (۱,۷ درصد)، آفریقا (۱,۶ درصد) و قاره آمریکا (۱,۴ درصد) قرار دارند (داسیلوا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۱).

ورود انبوه درآمدهای دلاری نفتی در زمانی که قیمت نفت بالاست، درآمد قابل ملاحظه‌ای را ایجاد می‌کند که می‌تواند به راحتی در رقابت‌های تسلیحاتی منطقه‌ای توزیع شود، به ویژه از آنجایی که کشورهای مصرف کننده نفت مانند آمریکا و اروپا برای حل تجارت مرتبط با واردات نفت انگیزه دارند فروش تسلیحات را افزایش می‌دهند (جف و الاس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). به غیر از کشورهای غیرنفتی غرب آسیا، تولید ناخالص داخلی کشورهای حاشیه خلیج فارس، با هدایت صادرات نفت و گاز، در این دوره با سرعتی بسیار سریع رشد کردند؛ بنابراین، هزینه‌های نظامی فزاینده از مازاد بودجه تأمین می‌شد (جارزبک، ۲۰۱۶: ۵). در نمودار شماره ۶، هزینه‌های نظامی به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی بر اساس کشور در نظر گرفته شده و ۱۰ کشوری که بیشترین هزینه‌های نظامی را به عنوان سهم تولید ناخالص داخلی دارند، فهرست شده‌اند. از ۱۰ کشور جهان، کشورهای عمان، رژیم صهیونیستی، اردن، عربستان، قطر و کویت به غرب آسیا تعلق دارند. به طور متوسط، کشورهای غرب آسیا با ۴,۳ درصد تولید ناخالص داخلی، بالاترین بار نظامی را در سال ۲۰۲۱ داشتند.

1. Da silva  
2. JAFFE & ELASS

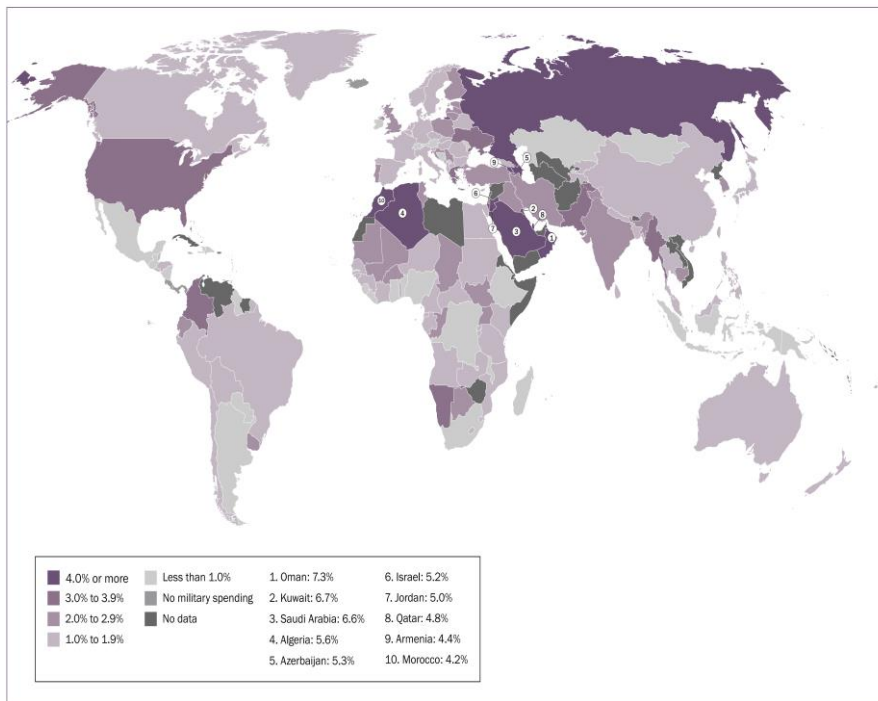


Figure 4. Military spending as a share of gross domestic product, by country, 2021

نمودار شماره ۶. بیشترین هزینه‌های نظامی ده کشور اول جهان بر اساس سهم تولید ناخالص داخلی (داسیلوا و همکاران، ۲۰۲۲)

## ۲. وجود رقابت، اختلافات منطقه‌ای و سیاسی بین کشورهای غرب آسیا

کوردزمان و هرینگتون با داده‌های خود نشان داده‌اند که از زمان پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸، ایران در برابر عراق و کشورهای عربی جنوبی خلیج فارس مانند، بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی که شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهند تا پایان سال ۲۰۱۸ درگیر یک رقابت تسلیحاتی گسترده بوده‌اند (کوردزمان و هرینگتون، ۲۰۱۸: ۲۳). بعد از سال ۲۰۱۸، این رقابت تسلیحاتی افزایش یافته است. در ادامه درگیری در یمن و بالا ماندن تنش‌ها بین ایران و سایر کشورهای منطقه، واردات تسلیحات نقش مهمی در تحولات امنیتی در خلیج فارس ایفا کرد (سیبری، الف ۲۰۲۲). بر همین اساس، بارزترین نمونه از این اختلافات، شکاف جاری در شورای همکاری خلیج فارس بین قطر و برخی از شرکای سابقش به

رهبری عربستان سعودی و امارات است. از سویی دیگر، عربستان سعودی که زیرساخت های انرژی آن به وسیله حوثی ها در سپتامبر ۲۰۱۹ تحت هدف قرار گرفت، درگیر رقابت منطقه ای با ایران است. هر یک از طرفین، طرف دیگر را به داشتن طرح های تهاجمی فرقه ای و استراتژیک در سراسر منطقه متهم می کند. به طور مشابه، دولت بحرین، ایران را به دامن زدن به ناآرامی در میان اکثریت شیعه بحرین متهم می کند. امارات متحده عربی به طور کلی با دیدگاه عربستان سعودی در مورد ایران به عنوان یک تهدید مشترک است و روابط ایران و امارات پیچیده تر شده است (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰: ۵).

رژیم صهیونیستی فعالانه به دنبال حفظ برتری نظامی خود در برابر همسایگان خود بوده و به طور فزاینده ای ایران را به عنوان یک تهدید می بیند (کوردزمان، ۲۰۱۶: ۷). درگیری های منطقه ای انگیزه مهمی برای تسلیحات است که با مداخلات خارجی به درجات مختلف تشدید می شود. تضاد همیشگی بین این رژیم و برخی کشورهای عربی و ایران تنها آشکارترین آن هاست. در پی جنگ های جاری در یمن، سوریه و لبنان، کشورهای ثروتمند خلیج فارس وارد رقابت تسلیحاتی منطقه ای شده اند. برنامه هسته ای بحث برانگیز ایران و جنگ های نیابتی در همسایگی اش یکی دیگر از عوامل مهم در تصور تهدیدی است که منجر به افزایش تسلیحات در منطقه می شود (فیناود و پونیا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۱). از سویی دیگر، روند صعودی واردات تسلیحات مصر با دخالت نظامی مصر در لیبی، یمن و نبرد با گروه های شورشی در شبه جزیره سینا هم زمان است؛ همچنین ممکن است با نگرانی مصر در مورد امنیت میادین گازی در دریای مدیترانه و تأمین آب از حوزه نیل مرتبط باشد (وزمان و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۲).

### ۳. آمریکا و رقابت تسلیحاتی در غرب آسیا

دولت ترامپ در چهار سال ریاست جمهوری خود ترویج فروش تسلیحات را محور سیاست خارجی خود قرار داد و ملاحظات صنعتی را بر حقوق بشر، صلح و درگیری یا نگرانی های راهبردی درازمدت اولویت داد. استقبال ترامپ از محمد بن سلمان، رهبر واقعی عربستان سعودی، علیرغم نقض حقوق بشر داخلی و استفاده از تسلیحات ارائه شده توسط آمریکا در جنگ وحشیانه خود در یمن نشان داد که دولت ترامپ این رویکردها را به طور کلی به فروش تسلیحات نیز تعمیم

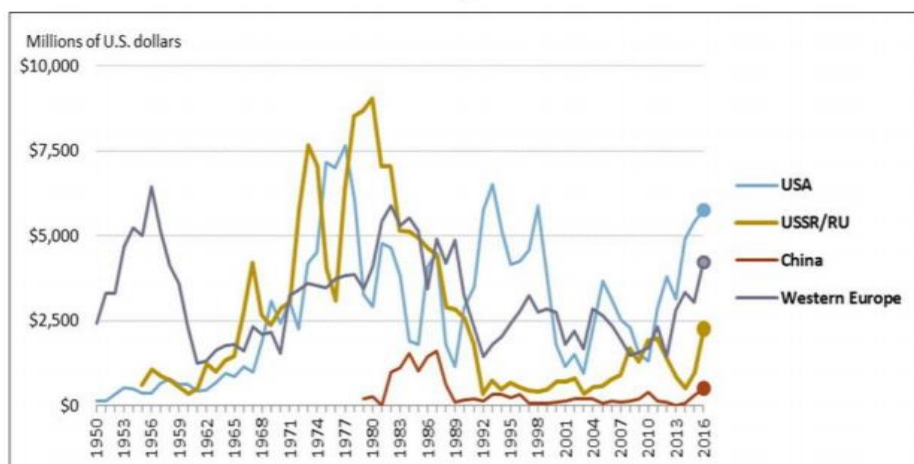
1. Finaud & Punia

داد (هارتنگ و الیاس<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۸). در دوره بایدن، ادعاهای رئیس‌جمهور جو بایدن و مقامات دولت مبنی بر اینکه حقوق بشر در قلب سیاست خارجی آمریکا قرار دارد، درحالی که واشنگتن به فروش تسلیحات و سایر کمک‌های امنیتی به کشورهای خاصی در غرب آسیا ادامه می‌دهد، موردبررسی قرار گرفته است. (اوسترمیر و آبرامسون<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱).

مرز بین حمایت «تهاجمی» و «دفاعی» مبهم است و منتقدان استدلال می‌کنند که حتی حمایت محدودی که آمریکای بایدن ارائه می‌کند هنوز به ریاض کمک می‌کند تا کمپین بمباران تهاجمی خود را در یمن انجام دهد (وارد<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). پیوند دادن انتقال تسلیحات با سوابق حقوق بشر منجر به از دست دادن احتمالی چندین میلیارد دلار در فروش سالانه برای سازندگان تسلیحات آمریکایی که از قدرتمندترین گروه‌های ذینفع ویژه در واشنگتن هستند، می‌شود. این ممکن است توضیح دهد که چرا آمریکا این واقعیت را نادیده گرفته است (زونس، ۱۹۹۹).

Figure Four shows the SIPRI estimate of the trends in arms transfers to the entire MENA region by major supplier between 1950 and 2016.

Figure Four: Trends in U.S., Western European, Russian, and Chinese Arms Transfer to the MENA Region: 1960-2016



نمودار شماره ۷. روند انتقال تسلیحات آمریکا، اروپای غربی، روسی و چینی به منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا: ۱۹۶۰-۲۰۱۶ (سیپری، ۲۰۱۹: گرایش‌ها در نقل و انتقالات بین‌المللی اسلحه)

1. D HARTUNG & ELIAS
2. Ostermeyer & Abramson
3. Ward

همان‌طور که در نمودار شماره ۷ مشاهده می‌شود سهم آمریکا نسبت به کشورهای دیگر در انتقال تسلیحات به کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، بیشتر از کشورهای صادرکننده دیگر اسلحه است. در غرب آسیا، آمریکا ۵۱ درصد از کل صادرات اسلحه را به خود اختصاص داده است. صادرات تسلیحات آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴ و ۲۰۱۹-۲۰۱۵، ۷۹ درصد افزایش یافته است.

## ۲- استراتژی آمریکا در فروش تسلیحات به غرب آسیا

دولت‌ها انگیزه‌های زیادی برای صادرات تسلیحات دارند از جمله تقویت امنیت متحدان یا شرکا، محدود کردن رفتار دشمنان، استفاده از چشم‌انداز انتقال تسلیحات به عنوان اهرم فشار بر رفتار داخلی یا خارجی دولت‌ها و ایجاد اقتصاد مقیاس لازم برای حمایت از صنعت تسلیحات داخلی (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰: ۴). در غرب آسیا طی چند دهه گذشته، آمریکا به دنبال استفاده از فروش تسلیحات برای تقویت بخش‌های منطقه‌ای بزرگ آمریکا بوده است. اولویت‌های سیاست امنیتی از جمله:

۱. امنیت رژیم صهیونیستی و حفظ معاهدات صلح آن با مصر (۱۹۷۹) و اردن (۱۹۹۴).
۲. مبارزه با تروریسم
۳. دسترسی آزاد به منابع انرژی منطقه به بازارهای جهانی
۴. مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران
۵. ثبات داخلی شرکای منطقه‌ای آمریکا (کلایتون، ۲۰۱۷: ۴).

بنابراین، محققان انتقال تسلیحات با استفاده از این طبقه‌بندی‌ها (انگیزه‌ها) به این نتیجه رسیده‌اند که دولت‌ها به دلیل قدرت، نفوذ و/یا دلایل اقتصادی سلاح صادر می‌کنند (ویلاردسون و جوهانسون، ۲۰۲۱: ۴). در این راستا مهم‌ترین عواملی که در آن آمریکا باعث تشدید رقابت تسلیحاتی در بین کشورهای غرب آسیا شده توضیح داده می‌شود و در این میان، آمریکا از این عوامل بیشترین استفاده را داشته و خود نقش کاتالیزوری در این رقابت تسلیحاتی ایفا می‌کند.

به صورت کلی استراتژی آمریکا در فروش تسلیحات به غرب آسیا در سه بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبعیت می‌کند.

### ۱. داخلی

از منظر اقتصاد دفاعی، علل تجارت اسلحه می‌تواند انگیزه‌های اقتصادی داشته باشد مانند، نگهداری صنایع دفاعی بومی، صرفه جویی در مقیاس، صرفه جویی در هزینه تحقیق و توسعه، اشتغال صنایع دفاعی، افزایش تراز تجاری، دسترسی به ارزهای خارجی (اندرتون، ۱۹۹۵: ۵۳۵) از این رو، در بعد داخلی بیش از هر عامل دیگر، فروش تسلیحات منجر به افزایش درآمدهای اقتصادی و رونق صنعت تسلیحات آمریکا می‌شود.

### ۱-۱. فروش تسلیحات برای افزایش درآمدهای اقتصادی و رونق صنعت

#### تسلیحات

انتقال تسلیحات دیگر از منظر سیاست ابرقدرت‌ها دیده نمی‌شود. اقتصاد در حال حاضر نقش اصلی را در درک انگیزه‌ها و پیامدهای انتقال تسلیحات ایفا می‌کند. البته سیاست هنوز در درک تجارت اسلحه اهمیت دارد. نه تنها سیاست شرکت‌های دفاعی که با مقامات دولتی برای ترویج صادرات تسلیحات لابی می‌کنند؛ بلکه می‌تواند تحت عنوان انتخاب عمومی به‌عنوان «اقتصادی» در نظر گرفته شود (اندرتون، ۱۹۹۵: ۵۲۵).

بر همین اساس، دولت ترامپ در مورد رویکرد آمریکا در فروش تسلیحات، ترجیح داد تا دستاوردهای اقتصادی درک شده بر نگرانی‌های سیاست خارجی و منافع امنیت ملی اولویت بدهد. در واقع، دولت فروش تسلیحات را ستون اصلی اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا قرارداد. در طول سه سال اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ، قراردادهای فروش نظامی خارجی آمریکا در مجموع بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار بود. باین حال، در استفاده از فروش تسلیحات به‌عنوان ابزاری سیاسی برای اهداف کوتاه‌بینانه و عمدتاً اقتصادی، سیاست‌های انتقال تسلیحات دولت اغلب خطرات مربوط به حقوق بشر، حفاظت از غیرنظامیان، ثبات و منافع استراتژیک درازمدت آمریکا را نادیده می‌گرفت (استول<sup>۱</sup>: الف، ۲۰۲۱).

1. Stohl

برخی استدلال کرده‌اند که صادرات تسلیحات برای اقتصاد آمریکا حیاتی است و تعداد قابل توجهی از مشاغل آمریکایی را ایجاد کرده است. دولت‌های متوالی آمریکا استدلال کرده‌اند که فروش تسلیحات در حفظ پایگاه صنعتی دفاعی آمریکا نقش دارد و فروش تسلیحات، در حفظ رقابت و نوآوری این صنعت، امنیت ملی و منافع اقتصادی برای آمریکا دارد. در حالی که فعالیت اکثر پیمانکاران دفاعی آمریکا تجارت داخلی است، صادرات به کشورهای غرب آسیا گاهی نقش کلیدی در حمایت از صنعت دفاعی آمریکا داشته است (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰: ۱۰). فروش تسلیحات سهم مهمی در صنایع هوافضا و دفاعی آمریکا دارد، بخشی که به طور مستقیم بیش از ۱ میلیون کارگر و ۳ میلیون دیگر در بخش پشتیبانی مشغول به کار هستند. مجموع فروش در سال‌های اخیر و گزارش‌ها نشان می‌دهد که مدیران صنعت انتظار دارند این رقم رشد کند. ۸ کشور غرب آسیا نقش مهمی در حفظ این صنعت دارند. علاوه بر این، فروش خارجی بخش نسبتاً مهمی از اقتصاد آمریکا را تشکیل می‌دهد و ۶٫۲٪ از ارزش کل صادرات آمریکا را در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۴ تشکیل می‌دهد (کلایتون، ۲۰۱۷: ۲).

در سال ۲۰۱۷، صنعت دفاعی آمریکا، ۲۰ میلیارد دلار صادرات ایجاد کرد که از ۲۰۴۰۷۰ شغل در آمریکا پشتیبانی کرد و ۵۱٫۹ میلیارد دلار در کل تولید اقتصادی ایجاد کرد. با بازتاب ماهیت ارزش‌افزوده بالای تولیدات دفاعی، ضریب اشتغال برای صادرات دفاعی ۳٫۶ بود. به عبارت دیگر، به ازای هر شغل مستقیم صنعتی که توسط تولیدات صادراتی دفاعی حمایت می‌شود، ۳٫۶ شغل اضافی مورد حمایت قرار گرفت. در سراسر اقتصاد آمریکا در نهایت، متوسط دستمزد سالانه یک شغل صنعتی با حمایت صادرات دفاعی ۱۰۶۵۰۰ دلار یا ۱۰۶ درصد بالاتر از میانگین دستمزد ملی بود (مرکز تحقیقات هوافضا آمریکا، ۲۰۱۸: ۲).

بر همین اساس، در یادداشت ریاست جمهوری امنیت ملی آوریل ۲۰۱۸، در مورد سیاست انتقال تسلیحات متعارف آمریکا، دولت تصریح کرد که هنگام تصمیم‌گیری برای انتقال تسلیحات، «اثر مالی یا اقتصادی فروش تسلیحات بالقوه بر صنعت آمریکا و تأثیر آن بر صنایع دفاعی پایه را در نظر می‌گیرد». ترامپ اغلب در مورد فروش اسلحه به عنوان یک موهبت برای کارگران آمریکایی صحبت می‌کند. در اکتبر ۲۰۱۸، او ادعا کرد که فروش تسلیحات جدید به عربستان سعودی ارزش «بیش از یک میلیون» شغل را دارد (سرویس، تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰: ۱۱). خریدهای خارجی

همچنین بودجه بیشتری را فراهم می کند که علم، فناوری، تحقیق و توسعه را در بخش دفاعی آمریکا تقویت می کند. این به نوبه خود، کیفیت تسلیحات و سیستم‌هایی را که بخش دفاعی آمریکا می تواند در اختیار نیروهای آمریکایی قرار دهد، بهبود می بخشد. به عبارت دیگر، بی دلیل نیست که ارتباط مستقیمی بین افزایش فروش تسلیحات خارجی و تسلیحات بهتر برای نیروهای آمریکایی ایجاد کنیم (بومن<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۸).

## ۲. منطقه‌ای

در رئالیسم تهاجمی، قدرت‌هایی که به هژمونی دست می‌یابند سعی می‌کنند از ظهور رقبا در منطقه خود و همچنین قدرت‌های هژمونیک در سایر مناطق که آن‌ها را در سیستم بین‌المللی جهانی تحت الشعاع قرار می‌دهند یا ممکن است در حوزه نفوذ آن‌ها مداخله کنند، جلوگیری کنند. برای جلوگیری از ظهور این رقبای هم‌تا، قدرت‌های بزرگ می‌توانند به‌عنوان «موازنه فراساحلی»<sup>۲</sup> عمل کنند. سیاستی که واشنگتن در ایجاد توازن علیه ایران در غرب آسیا، علیه روسیه در حوزه نفوذ سابقش در اروپای شرقی و آسیای مرکزی و علیه چین در آسیا و اقیانوسیه در پیش می‌گیرد بر همین اساس است (گردان، ۲۰۱۸: ۱۳۵).

## ۲-۱. تسهیل فروش تسلیحات آمریکایی در غرب آسیا به منظور ایجاد

### بازدارندگی در برابر ایران

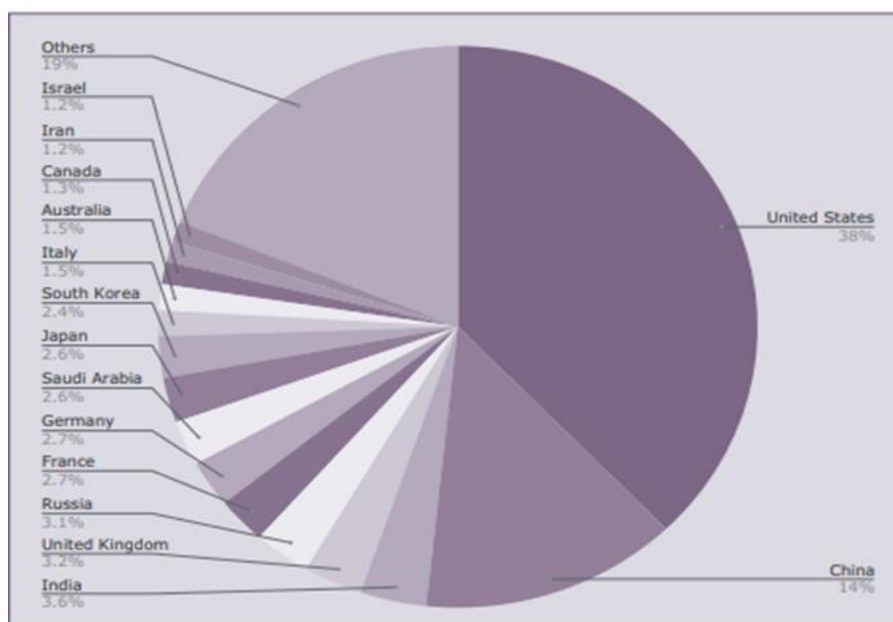
سیاست خارجی آمریکا برای تحمیل یا حفظ هژمونی در سراسر جهان انجام می‌شود و در نهایت سیاست خارجی آمریکا با موقعیت هژمون منطقه‌ای آمریکا و منافع استراتژیک آن برای جلوگیری از ظهور هرگونه هژمون منطقه‌ای بالقوه در سراسر جهان ارتباط دارد (پریفیتی، ۲۰۱۶: ۱۷). به نظر می‌رسد که سیاست آمریکا در غرب آسیا تا حدودی ناشی از تمایل به محدود کردن توانایی ایران برای تهدید شرکای آمریکایی و/یا دارایی‌های آمریکا در منطقه یا محدود کردن جریان آزاد تجارت مرتبط با انرژی از طریق آبراه‌هایی مانند تنگه هرمز است. فروش تسلیحات آمریکا به شرکای منطقه‌ای در مقابله با ایران مهم است (کلایتون، ۲۰۱۷: ۲۱). توازن نظامی بین ایران، همسایگان عرب آن و آمریکا، حداقل از زمان ظهور ناصر در دهه ۱۹۵۰، یک مسئله مهم

1. Bowman  
2. Balancing



نظامی در غرب آسیا بوده است. خطرات این رقابت تسلیحاتی از نظر یک درگیری آینده باگذشت زمان کاهش نیافته است و بسیاری از عناصر رقابت تسلیحاتی منطقه‌ای در سال‌های اخیر به شدت سرعت گرفته‌اند (کوردزمان و هرینگتون، ۲۰۱۸: ۲). داده‌های مربوط به انتقال تسلیحات، نشان می‌دهد که آمریکا همچنان بزرگ‌ترین منبع انتقال سلاح در منطقه است. این انتقال‌ها اکنون بر مخالفت آمریکا با ایران و حمایت آن از کشورهای عربی جنوب خلیج فارس در ایجاد نیروهای خود برای مقابله با ایران است (کوردزمان، ۲۰۲۰: ۸). ایران نه تنها از سوی آمریکا و رژیم، بلکه تقریباً از سوی تمامی همسایگان آن در خلیج فارس به عنوان یک تهدید تلقی می‌شود. ایران نیز به نوبه خود آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم دیگر را دشمن می‌داند. مقامات آمریکا فروش تسلیحات به کشورهای غرب آسیا را عمدتاً به عنوان راهی برای ایجاد ظرفیت‌های آن کشورها برای کمک به اهداف منطقه‌ای آمریکا و بازدارندگی در برابر ایران توجیه می‌کنند (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰: ۴-۱).

برای مثال، در می ۲۰۱۹ آمریکا، اقدام اضطراری برای فروش تسلیحات به اردن باهدف اعلام شده بازدارندگی در برابر ایران انجام داد (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰: ۷). از سوی دیگر، نکته مهمی که وجود دارد اینکه در سال ۲۰۲۱ بودجه نظامی ایران برای اولین بار در چهار سال گذشته به ۲۴٫۶ میلیارد دلار افزایش یافت. بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۲۱ به رشد ۱۴ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۰ ادامه داد و ۳۴ درصد از کل هزینه‌های نظامی ایران را به خود اختصاص داد (سپیری، ب ۲۰۲۲)؛ بنابراین، ایران هزینه‌های نظامی خود را ۱۱ درصد افزایش داد و در سال ۲۰۲۱ رتبه چهاردهم را به خود اختصاص داد. این اولین بار در ۲۰ سال گذشته است که ایران در بین ۱۵ مخارج نظامی برتر قرار می‌گیرد (داسیلوا و همکاران، ۲۰۲۲: ۳). در نمودار شماره ۸، میزان بودجه نظامی کشورها را نشان می‌دهد که حاکی از آن است ایران نیز بودجه‌ی دفاعی خود را افزایش داده و رتبه ۱۴ جهان از این نظر در اختیار دارد.



**Figure 2.** The share of world military expenditure of the 15 countries with the highest spending in 2021

Source: SIPRI Military Expenditure Database, Apr. 2022.

نمودار ۸. میزان بودجه نظامی کشورها (سیپری، داسیلوا و همکاران، ۲۰۲۲: ۳)

بنابراین، یکی از اهداف اصلی آمریکا از فروش تسلیحات به کشورهای غرب آسیا و خصوصاً رژیم ایجاد بازدارندگی و توازن قوا در برابر ایران است که از اهداف و منافع استراتژیک مشترک این کشورها و آمریکا در فضا جدید منطقه‌ای محسوب می‌شود.

## ۲-۲. مقابله با تروریسم

از ۱۱ سپتامبر، تمرکز جدید فروش تسلیحات آمریکا بر تقویت جنگ جهانی علیه تروریسم بوده است (دارمینی و سرال<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۸). در غرب آسیا، آمریکا به دنبال استفاده از فروش تسلیحات برای تقویت قابلیت‌های شرکای خود برای پیشبرد اولویت‌های اصلی سیاست امنیتی منطقه‌ای آمریکا از جمله؛ مقابله با تروریسم و تضمین آن است (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰:

1. Thrall & Dorminey

۵؛ اما با این حال در طول دهه گذشته، تسلیحات آمریکایی در دستان دولت شام و عراق (داعش) و دیگر گروه‌های تروریستی، در بازار سیاه یمن و جاهای دیگر فروخته شده و یا توسط دولت‌های ظالم برای کشتن مردم خود استفاده شده است و به ملت‌ها این امکان را داده است که وارد درگیری‌های نظامی خونین شوند. فروش تسلیحات آمریکایی به حمایت از رژیم‌های اقتدارگرا، تشویق ماجراجویی نظامی، تحریک رقابت‌های تسلیحاتی و تشدید درگیری‌های موجود دامن زده است (سرال و کوهن<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

در چند سال گذشته به‌خصوص در دوران بوش پسر، واشنگتن فروش و انتقال سلاح‌های با فناوری پیشرفته، آموزش نظامی و سایر کمک‌های نظامی خود را به دولت‌ها بدون توجه به احترام آن‌ها به حقوق بشر، اصول دموکراتیک یا عدم اشاعه (قانون کنترل تسلیحات) افزایش داده است. تنها چیزی که مهم است این است که آن‌ها قول کمک خود را در جنگ جهانی علیه تروریسم داده‌اند (استول، ب ۲۰۰۸). طبق نظر استول، دولت بوش نشان داد که خواهان عرضه تسلیحات و آموزش‌های نظامی به دولت‌های ضعیف و ناکامی بوده که بارها و بارها از سوی وزارت خارجه این کشور به واسطه نقض حقوق بشر، نبود دموکراسی و حتی حمایت از تروریسم مورد انتقاد قرار گرفته است (بریگان، ۱۳۸۸: ۸۶). این انتقال تسلیحات به کشورهای غرب آسیا در دولت‌های اوباما، ترامپ و بایدن بدون توجه به حقوق بشر و دموکراسی کماکان ادامه می‌یابد. بر اساس قانون کنترل صادرات تسلیحات، فروش تسلیحات یک ابزار سیاست خارجی است و تصمیم برای صادرات، باید منافع آمریکا، نیازهای گسترده تر خریدار و خطر ایجاد یک رقابت تسلیحاتی یا درگیری منطقه‌ای را در نظر بگیرد. همکاری نظامی و تسلیحاتی با پایگاه‌های میزبان، همکاری‌های ضد تروریسم و اطلاعاتی را تداوم می‌بخشد (ساندرز<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۲).

### ۲-۳. سلطه و نفوذ بر غرب آسیا به منظور اعاده نظم مورد نظر خود

بر اساس رئالیسم تهاجمی، قدرت‌های بزرگ برای چهار هدف اساسی تلاش می‌کنند:

۱. تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای و جلوگیری از تبدیل شدن سایر دولت‌ها به هژمون منطقه‌ای
۲. میزان ثروت تحت کنترل خود در جهان را به حداکثر برسانند

1. Cohen & Thrall  
2. Sanders

می‌خواهند که در موازنه قدرت زمینی برتری پیدا کنند؛ زیرا این بهترین راه برای به حداکثر رساندن سهمشان از قدرت نظامی است.

۳. برتری هسته‌ای بر سایر رقبا (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۶۲).

بنابر تئوری رئالیسم تهاجمی، آمریکا با فروش تسلیحات به غرب آسیا در پی دستیابی به سه گزینه اول است. بر مبنای دیدگاه واقع‌گرایانه موازنه‌سازی فراساحلی اکثریت موافق‌اند که آمریکا باید از ظهور یک هژمون منطقه‌ای جلوگیری کند به‌ویژه هژمونی (ایران) که بر تولید نفت مسلط است و تهدید به دست‌کاری عرضه یا قیمت نفت یا بستن تنگه هرمز یا تنگه باب‌المندب می‌کند. نقش اصلی نیروهای باقی‌مانده آمریکا در غرب آسیا جلوگیری از ظهور یک هژمون منطقه‌ای و خنثی کردن قدرت‌های بزرگی مانند چین یا روسیه از طریق تغییر موازنه قوا به نفع خود در منطقه است (دنیلز و جونز<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۲۸-۲۲). بنابراین، علیرغم کاربردهای فراوان، فروش تسلیحات از طریق دو مکانیسم اساسی بر روابط خارجی تأثیر می‌گذارد. اولین مورد شامل استفاده از فروش تسلیحات برای تغییر توازن قدرت و قابلیت‌ها بین دریافت‌کننده و همسایگانش است، در نتیجه به متحدان کمک می‌کند در جنگ‌ها پیروز شوند یا دشمنان را بازدارند، ثبات محلی و منطقه‌ای را تقویت کنند، یا دولت‌های دوست را در برابر شورش‌ها و سایر چالش‌های داخلی حمایت کنند. برای مثال، آمریکا با فروش تسلیحات پیشرفته به تایوان، ژاپن، کره جنوبی و استرالیا، امیدوار بود قدرت رو به رشد چین را متعادل کند و ثبات منطقه را ارتقا بخشد. اگرچه اهداف خاص متفاوت است، اما در اصل مکانیسم علت و معلولی یکسان است: استفاده از فروش تسلیحات برای تغییر موازنه قدرت در جهت مطلوب‌تر برای منافع آمریکا.

آمریکا به‌عنوان تولیدکننده پیشرفته‌ترین و پرطرفدارترین تسلیحات جهان می‌تواند حداقل تا حدی شرایطی را که تحت آن با فروش تسلیحات خاص موافقت کند، دیکته کند. همان‌طور که اندرو شاپیرو<sup>۲</sup> بیان می‌کند: «زمانی که کشوری یک سیستم دفاعی پیشرفته آمریکا را به دست می‌آورد، صرفاً به خرید یک محصول برای افزایش امنیت خود نمی‌پردازد، بلکه به دنبال رابطه با آمریکا نیز است. این تعامل به ایجاد روابط دوجانبه کمک می‌کند و انگیزه‌های قوی برای

1. Jones & Daniels

2. Schapiro

کشورهای دریافت کننده برای حفظ روابط خوب با آمریکا ایجاد می کند» (سرال و دارمینی، ۲۰۱۸: ۹)؛ بنابراین، تأمین کنندگان تسلیحات اغلب از صادرات تسلیحات خود برای ایجاد نفوذ بر سیاست خارجی کشورهای دریافت کننده تسلیحات استفاده می کنند (اندرتون، ۱۹۹۵: ۵۵۵). از سویی دیگر، فروش تسلیحات آمریکا به کشورهای غرب آسیا سبب می شود:

۱. کشورهایی که تسلیحات آمریکا را دریافت می کنند، اغلب دسترسی به بندر و پایگاه ارزشمندی را برای ارتش آمریکا فراهم می کنند. نمونه های متعددی از مشارکت های امنیتی دوجانبه گسترده و عمیق آمریکا وجود دارد که شامل فروش نظامی آمریکا به کشورهای است که دسترسی قابل توجهی به پایگاه ها و بنادر خود برای ارتش آمریکا فراهم می کنند. به عنوان مثال، در خلیج فارس جالب است بدانید که هر کشور عربی تسلیحات آمریکا را خریداری می کند؛ دسترسی به بندر و یا پایگاه قابل توجهی را برای ارتش آمریکا فراهم می نماید. این شامل بحرین، کویت، عراق، عمان، قطر، عربستان و امارات است.

۲. به ایجاد یا حفظ موازنه های مطلوب قدرت کمک می کند. یکی از اهداف برجسته استراتژی دفاعی ملی آمریکا<sup>۱</sup>، حفظ موازنه های قدرت مطلوب [منطقه ای] است که از تهاجم جلوگیری می کند و از ثباتی که موجب رشد اقتصادی می شود، حمایت می کند. موازنه های قدرت به عوامل متعددی بستگی دارد از جمله؛ ترکیب قابلیت های نظامی آمریکا و شرکا در مقایسه با دشمنان بالقوه یا بالفعل. فروش تسلیحات خارجی آمریکا می تواند نقش تعیین کننده ای در ایجاد یا حفظ موازنه های مطلوب ایفا کند که متقاعدکننده باشد.

۳. تسهیل فرصت های آموزشی ارزشمند؛ زمانی که متحدان و شرکا تسلیحات آمریکایی را دریافت می کنند با استفاده از تسلیحات آمریکا، فرصت های آموزش با آمریکایی ها را افزایش می دهند (بومن، ۲۰۲۰: ۶) برای مثال، در این رابطه دولت بایدن قطر را به عنوان «متحد اصلی غیر ناتو» تعیین کرد، به این معنی که این کشور می تواند میزبان ذخایر جنگی آمریکا باشد، موافقت نامه های آموزشی منعقد کند و به شرکت هایش اجازه می دهد برای قراردادهای تعمیر و نگهداری تجهیزات آمریکا مناقصه کنند. سایر متحدان اصلی غیر

1. National Defense Strategy

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی<sup>۱</sup> (ناتو) در منطقه شامل رژیم، مصر، اردن، کویت و بحرین، عربستان، امارات هستند (دنیلز و جونز، ۲۰۲۰: ۱۳). به تناوب فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، باعث حضور مستشاران و کارشناسان نظامی آمریکا در کشورهای غرب آسیا می‌شود که بیش از هر چیز، می‌تواند سلطه و نفوذ آمریکا را در این کشورها افزایش دهد؛ بنابراین، اهم سیاست قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا مخصوصاً آمریکا، دامن زدن به تنش‌ها و اختلافات بین کشورهای غرب آسیا است تا از این طریق یک بازار بزرگ برای تسلیحات خود ایجاد کند و زمینه را بر سلطه بر غرب آسیا فراهم کند.

### ۳. بین‌المللی

قدرت‌های بزرگ، به دنبال تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای می‌باشند (مانند غرب آسیا). اگرچه یک دولت زمانی می‌تواند امنیت خود را به حداکثر برساند که بر تمام جهان تسلط پیدا کند لیکن هژمونی جهانی شدن میسر نیست؛ مگر اینکه یک کشور بتواند به برتری مطلق هسته‌ای بر رقبایش دست پیدا کند. از دیدگاه مرشایمر، قدرت‌های بزرگ، نه تنها به دنبال تسلط بر منطقه خود می‌باشند؛ بلکه همچنین علاقه‌مندند تا از دستیابی رقبایشان در سایر مناطق به هژمونی جلوگیری کنند (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۵۶).

سیاست خارجی جدید آمریکا که توسط پرزیدنت دونالد ترامپ به تصویر کشیده شده است؛ یک واقع‌گرایی تهاجمی و اعتقادی که بر اساس آن هر کشوری به دنبال بهره‌برداری از قدرت خود برای به حداکثر رساندن منافع خود در یک زمینه رقابتی ذاتی بین‌المللی است: «مجموع بازی صفر<sup>۲</sup>». جایی که تعادل نهایی با این واقعیت تضمین می‌شود که موفقیت یک طرف با شکست طرف دیگر مطابقت دارد (ویتو، ۲۰۲۰: ۱۷۰). برای چندین دهه، برخی از مقامات قوه مجریه و اعضای کنگره برخی از روابط فروش تسلیحات را به عنوان حمایت از اولویت‌های هدفمندتر آمریکا، مانند تقویت همکاری‌های درون منطقه‌ای علاوه بر مقابله با ایران، جلوگیری از نفوذ رقبای آمریکا مانند روسیه و چین در منطقه شناسایی کرده‌اند (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰:

1. North Atlantic Treaty Organization

2. a zero-sum game

۴). در همین راستا، اهداف صادرات تسلیحات آمریکا به منطقه غرب آسیا در سطح جهانی شامل رقابت با قدرت‌ها بزرگ نیز می‌شود.

### ۱. رقابت آمریکا با قدرت‌های بزرگ

رنالیسم تهاجمی مرشایمر، تحلیل خود را بر قدرت‌های بزرگ متمرکز می‌کند که تنها قدرت‌هایی هستند که می‌توانند بر سیستم بین‌المللی تأثیر بگذارند. برای مرشایمر، فقط بازیکنان بزرگ دارندگان واقعی قدرت تهاجمی واقعی - شناختی و نظامی، قادر به دستیابی به پیشرفت استراتژیک و به حداکثر رساندن سهم نسبی قدرت هستند (ویتو، ۲۰۲۰: ۱۷۱). رقابت قدرت‌های بزرگ بار دیگر در عرصه بین‌المللی اولویت را به خود اختصاص داده است. در مواجهه با چین در حال ظهور و روسیه، آمریکا به طور رسمی استراتژی امنیت ملی خود را در سال ۲۰۱۷ تغییر داد تا تأکید بیشتری بر بازگشت سیاست قدرت‌های بزرگ و چندقطبی بودن جهانی داشته باشد. با ازسرگیری چنین رقابتی، غرب آسیا به درستی به‌عنوان یک بازی در صحنه منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است که در آن روسیه و چین به دنبال سوءاستفاده از اشتباهات سیاسی آمریکا در کاهش نفوذ این کشور (واقعی یا تصوری) برای افزایش چندقطبی منطقه‌ای هستند (هافمن<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱: ۱).

دولت ترامپ رقابت قدرت‌های بزرگ را به‌عنوان یک اصل سازمان‌دهی کلیدی برای رویکرد خود به سیاست خارجی پذیرفت. براین اساس، تهاجم روسیه در غرب آسیا و جاهای دیگر عمدتاً زیرمجموعه‌ای از رقابت جهانی جدید برای نفوذ است که آمریکا را در برابر قدرت‌های تجدیدنظرطلب مانند روسیه و چین قرار می‌دهد (ویس<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۳). داده‌های مربوط به نقل و انتقالات تسلیحاتی نشان می‌دهد که روسیه دوباره به منبع اصلی انتقال تسلیحات منطقه‌ای به کشورهایمانند الجزایر، لیبی، مصر، سوریه و عراق تبدیل شده است. چین هنوز هم منبع نسبتاً کوچکی برای انتقال تسلیحات است. با این حال، این کشور به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی در حال ظهور است و رقابت نظامی آمریکا و چین به صورت جهانی تشدید شده است. چین در حال گسترش حضور خود در اقیانوس هند و نزدیک شاخ آفریقا و خلیج فارس است. این کشور اکنون

1. Hoffman  
2. WEISS

در حال تولید و استقرار سلاح‌های بسیار پیشرفته تری است و ممکن است به یک صادرکننده بسیار بزرگ اسلحه و خدمات مربوطه و پشتیبانی مشاوره‌ای برای منطقه من<sup>۱</sup> تبدیل شود. این دو کشور (چین و روسیه) در بازاریابی اسلحه به کشورهای عربی خلیج فارس ادامه می‌دهند، اما آن‌ها به شدت با تلاش‌های آمریکا برای تمدید تحریم گسترده سازمان ملل برای صادرات سلاح به ایران مخالفت کرده‌اند و اکنون به نظر می‌رسد که آن‌ها برای شروع صادرات سلاح به ایران آماده هستند (کوردزمان، ۲۰۲۰: ۹). روسیه و چین به دنبال سود بردن از چتر امنیتی تحت حمایت آمریکا و ایجاد روابط با مجموعه متنوعی از بازیگران در سراسر خطوط گسل منطقه از جمله؛ متحدان آمریکا به منظور ارتقای بهترین موقعیت استراتژیک خود هستند. رقابت با روسیه و چین در غرب آسیا به عنوان محرک سیاست آمریکا در منطقه به طور پیوسته افزایش یافته است. این موضوع بارها توسط دولت جدید مورد توجه قرار گرفته است. ژنرال کنت مک کنزی<sup>۲</sup>، رئیس مرکز فرماندهی آمریکا در غرب آسیا (سنتکام<sup>۳</sup>) بر اهمیت آن تأکید کرده است که افزایش فروش تسلیحات برای اطمینان بخشیدن به متحدان و جلوگیری از روی آوردن آن‌ها به روسیه یا چین ضروری است (هافمن، ۲۰۲۱: ۱۵-۳).

ژنرال کنت مک کنزی، فرمانده سنتکام، با صحبت از اهمیتی که فروش تسلیحات آمریکا در تحکیم روابط با شرکای غرب آسیا ایفا می‌کند، در ژوئن ۲۰۲۰ گفت: «ما [آمریکا] نمی‌خواهیم. شرکای خود در غرب آسیا به چین روی آورند و ما نمی‌خواهیم آن‌ها برای خرید این سیستم‌ها به روسیه روی بیاورند» (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۰: ۷).

## نتیجه‌گیری

غرب آسیا به دلیل برخورداری از منابع مهم انرژی و شاخص‌های مهم ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی حوزه مهمی برای رقابت‌های قدرت‌های بزرگ برای کسب هژمونی در سطح جهانی و قدرت‌های درون منطقه‌ای برای کسب هژمونی در شاخص درون منطقه‌ای شده است. یک وجه مهم از این رقابت‌ها برای قدرت‌های بزرگ در سطح جهانی ورود به رقابت تسلیحاتی

1. MENA  
2. Kenneth Franklin McKenzie Jr  
3. CENTCOM



غرب آسیا و تشدید آن برای حفظ و گسترش نفوذ و اعاده نظم موردنظر خود است و در سطح منطقه‌ای برای قدرت‌های منطقه‌ای، به‌منظور حفظ امنیت، افزایش قدرت و نفوذ خود وارد رقابت تسلیحاتی بی‌پایانی با یکدیگر شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که آمریکا به‌عنوان یک قدرت سرکرده و هژمون، تجارت اسلحه در غرب آسیا را در اهداف ملی (داخلی)، منطقه‌ای و جهانی خود تعریف کرده است و علل بروز نقش برجسته آمریکا در رقابت تسلیحاتی کشورهای غرب آسیا می‌تواند در سطح داخلی ناشی از رونق بخشیدن به اقتصاد و صنعت تسلیحاتی خود به همراه سود سرشار ناشی از فروش تسلیحات و در سطح منطقه‌ای ناشی از سیاست ایران هراسی، افزایش قدرت بازدارندگی کشورهای غرب آسیا متحد آمریکا در مقابل ایران و توجه حضور خود در غرب آسیا برای کسب هژمونی منطقه‌ای مطابق با نظم موردنظر خود برای تسلط بر منطقه و عوامل دیگر، مبارزه با تروریسم، وجود اختلافات سیاسی و رقابت‌های بین کشورهای منطقه را شامل می‌شود و در سطح بین‌المللی حفظ و ارتقای هژمونی خود در رقابت با قدرت‌های بزرگ است. در این راستا، در منطقه رقابتی غرب آسیا؛ آمریکا برای اینکه هژمون مسلط بر غرب آسیا باشد و برای جلوگیری از هژمون منطقه‌ای مانند ایران و نفوذ قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه، صادرات سلاح به متحدان خود را ادامه می‌دهد و همچنان فروشنده مسلط اسلحه در غرب آسیا است. از سویی دیگر عرضه سلاح، هزینه‌های هنگفت دفاعی و سیاست‌های نظامی-تهاجمی، ثبات منطقه‌ای را بر هم می‌زنند؛ زیرا رقابت تسلیحاتی باعث درگیری‌هایی منطقه‌ای و افزایش خطر جنگ در سطح جهان می‌شود؛ اما باین حال، آمریکا فروش تسلیحات خود را برای تداوم هژمونی خود در منطقه و کسب مزایای اقتصادی ادامه می‌دهد و به دلیل عدم فضای اعتمادسازی بین کشورها و عدم مکانیزم امنیت دسته‌جمعی این رقابت تسلیحاتی همچنان ادامه می‌یابد.

جدول شماره ۱

مهم‌ترین علل رقابت تسلیحاتی در غرب آسیا
اقتصاد ناشی از منابع انرژی، بخش اعظم دولت‌های غرب آسیا
وجود رقابت، اختلافات منطقه‌ای و سیاسی بین کشورهای غرب آسیا
صادرات تسلیحات آمریکا به کشورهای غرب آسیا

استراتژی آمریکا در فروش تسلیحات به غرب آسیا	
داخلی	برای افزایش درآمدهای اقتصادی و رونق صنعت تسلیحات
منطقه‌ای	ایجاد بازدارندگی در برابر ایران مقابله ظاهری با تروریسم سلطه و نفوذ بر غرب آسیا به منظور اعاده نظم موردنظر خود
بین‌المللی	رقابت آمریکا با قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه

## منابع

- بریگان، فریدا. (۱۳۸۸). نقش ایالات متحده در نظامی سازی جهان. ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۶۹، ۸۶-۸۵. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). روش تحقیق در علوم سیاسی. تهران: قومس.
- قاسمی، فرهاد؛ پورجم، بهاره. (۱۳۹۴). رقابت تسلیحاتی، ثبات راهبردی و نظم منطقه ای غرب آسیا. مجله سیاست دفاعی، ۲۳(۹۰)، ۱۰۷-۷۹.
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۹۲). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. تهران: سمت.
- مرشایمر، جان. ج. (۱۳۸۹). تراژدی سیاست قدرت های بزرگ (ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده). تهران: وزارت امور خارجه.
- Anderton, C. H. (1995). Chapter 18 Economics of arms trade. Handbook of Defense Economics, 1(1), 523-561.
- Aerospace, R.C. (2018). U.S. DEFENSE EXPORTS 2018: STATISTICAL OVERVIEW. <https://www.aia-aerospace.org/wp-content/uploads/2018/02/AIA-Defense-Exports-Statistical-Overview-Economic-Impact-2018-WebFinal.pdf>
- Bowman, B. L. (2020). Objectives of U. S Arms Sales to the Gulfs: Examining strategic Goals, Risks and benefits. F.D.D: House committee on foreign Affairs. Access Date: June 16: <https://www.fdd.org/wp-content/uploads/2020/06/Bradley-Bowman-HFAC-testimony-on-U.S.arms-sales-to-the-Gulf.pdf>
- Clayton, T. (2017). Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy: Analyst in Middle Eastern Affairs, Congressional Research Service, Access Date: Updated 11 October: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R44984/5>.
- Cordesman, A. H. (2016). The Changing Patterns of Arms Imports in the Middle East and North Africa. Center for Strategic and International Studies, Access Date: Updated February 16: [https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy\\_files/files/publication/160205\\_cordesman\\_changing\\_arms\\_race\\_MENA.pdf](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/160205_cordesman_changing_arms_race_MENA.pdf)
- Cordesman, A., Harrington, N. (2018). The Arab Gulf States and Iran: Military Spending, Modernization, and the Shifting Military Balance. Center for Strategic and International Studies, 1616 Rhode Island Avenue NW Washington, DC 20036. Access Date: December 12: [https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/181212\\_Iran\\_GCC\\_Balance.Report.pdf](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/181212_Iran_GCC_Balance.Report.pdf)
- Cordesman, A. H. (2020). The Changing Security Dynamics of the Middle East and North Africa, Center for Strategic and International Studies (CSIS), BURK CHAIR IN STRATEGY. Access Date: January 19: <https://www.csis.org/analysis/middle-east-and-north-africa-international-relations-changing-dynamics-regional-and>
- Congressional, R. S. (2020). Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy, crs report prepared for members and committees of congress. Access Date: November 23: <https://sgp.fas.org/crs/mideast/R44984.pdf>
- Cohen, J. and Thrall, T. (2020). The US Is Selling Arms to Riskier Clients. CATO INSTITUTE, Access Date: OCTOBER: <https://www.cato.org/commentary/us-selling-arms-riskier-clients>

- Da silva, D., Tian, N., Sudreau, I., Marksteiner, A and liangx, I. (2022). TRENDS IN WORLD MILITARY EXPENDITURE, SIPRI Fact Sheet, Access Date: April: [https://sipri.org/sites/default/files/202204/fs\\_2204\\_milex\\_2021\\_0.pdf](https://sipri.org/sites/default/files/202204/fs_2204_milex_2021_0.pdf).
- Freeman, S. (2009). ARMS TRANSFERS TO the Middle Ea. SIPRI, Access Date: July: <https://www.sipri.org/sites/default/files/files/misc/SIPRIBP0907.pdf>
- Gangopadhyay, P. (2013). Sipri, Is an arms race just a race to the bottom?. Access Date: 26 September: <https://www.sipri.org/commentary/blog/2013/arms-race-just-race-bottom>
- Hoffman, J. (2021). The Return of Great-Power Competition to the Middle East: A Two-Level Game. *Middle East Policy*, 28 (1), 1–18, <https://doi.org/10.1111/mepo.12539>
- HARTUNG, W., AND ELIAS, Y. (2020). U.S. ARMS SALES TRENDS 2020 AND BEYOND FROM TRUMP TO BIDEN, Center for International Policy, | Washington, D.C. Access Date: April: file:///C:/Users/x22/Downloads/US-Arms-Sales-Trends-2020.pdf
- Hartley, K. (2007). THE ARMS INDUSTRY, PROCUREMENT AND INDUSTRIAL POLICIES. *Handbook of Defense Economics*, Volume 2, Edited by Todd Sandler and Keith Hartley: University of York, England, UK: © 2007 Elsevier B.V. 1139–1176.
- Hartley, K. (2020). DEFENCE ECONOMICS: Achievements and Challenges. University of York: Cambridge University Press.
- Jarzabek, A. (2016). G.C.C. Military Spending in Era of Low Oil Prices. *Middle East Institute Policy, Focus Series*. Access Date.: August 2016: [https://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF19\\_Jarzabek\\_GCCmilitary\\_web.pdf](https://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF19_Jarzabek_GCCmilitary_web.pdf)
- JAFFE, A., ELASS, J. (2016). War and the Oil Price Cycle. *Journal of international affairs: columbia, sipa*: Access Date: FEB 14: <https://jia.sipa.columbia.edu/online-articles/war-and-oil-price-cycle>.
- Jones, S G., Daniels, S P. (2022). U.S. DEFENSE POSTURE IN THE MIDDLE EAST. Center for Strategic and International Studies (CSIS), A Report of the CSIS Transnational Threats Project. ROWMAN LITTLFELD: Lanham Boulder New York London. Access Date: May 19: <https://www.csis.org/analysis/us-defense-posture-middle-east>.
- Ostermeyer, W., Abramson, J. (2021). Arms control Association, U.S. Continues Controversial Arms Assistance. Access Date: November: <https://www.armscontrol.org/act/2021-11/news/us-continues-controversial-arms-assistance>.
- Prifti, B. (2014). Continuation in US Foreign Policy: An Offensive Realist Perspective, Graduate Theses and Dissertations. University of South Florida: Scholar Commons. Access Date: October 20: <https://digitalcommons.usf.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=6584&context=etd>.
- Punia, S., Finaud, M. (2022). The Middle East is a self-perpetuating cycle of conflict and arms sales. *Responsible statecraft*. Access Date: February, <https://responsiblestatecraft.org/2022/02/07/the-middle-east-is-a-self-perpetuating-cycle-of-conflict-and-arms-sales/>.
- Pearson, F., Lounsbury, M., Sislin, J. (2008). *Arms Trade. Economics of*, 2008 Elsevier Inc.
- Robinson, N. (2021). Middle East: ASSESSING THE GLOBAL OPERATING ENVIRONMENT. The Heritage Foundation, 160-143, Access Date: Oct 20: <https://www.heritage.org/military-strength/assessing-the-global-operating-environment/middle-east>.
- Sipri. (2021). Military expenditure by country as percentage of gross domestic product 1988-2020. (see below for 2005-2020), Access Date: 2021:

- <https://sipri.org/sites/default/files/Data%20for%20all%20countries%20from%201988%E2%80%932020%20as%20a%20share%20of%20GDP%20%28pdf%29.pdf>
- Sipri. (2020). TRENDS IN INTERNATIONAL ARMS TRANSFERS 2019. Access Date: March: [https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-03/fs\\_2003\\_at\\_2019.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-03/fs_2003_at_2019.pdf)
- Sipri. (2020). USA and France dramatically increase major arms exports; Saudi Arabia is largest arms importer. says SIPRI, Access Date: 9 March 2020. <https://www.sipri.org/media/press-release/2020/usa-and-france-dramatically-increase-major-arms-exports-saudi-arabia-largest-arms-importer-says>.
- Sipri. (2019). Global arms trade: USA increases dominance; arms flows to the Middle East surge, says SIPRI. Published online: 11 March 2019: <https://www.sipri.org/media/press-release/2019/global-arms-trade-usa-increases-dominance-arms-flows-middle-east-surge-says-sipri>.
- Sipri. (2022), International arms transfers. Access Date: <https://www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/arms-and-military-expenditure/international-arms-transfers>.
- Sipri. (2022). Global arms trade falls slightly, but imports to Europe. East Asia and Oceania rise, Access Date: 14 March: <https://sipri.org/media/press-release/2022/global-arms-trade-falls-slightly-imports-europe-east-asia-and-oceania-rise>.
- Sipri. (b2022). World military expenditure passes \$2 trillion for first time, Access Date: 25 April: <https://sipri.org/media/press-release/2022/world-military-expenditure-passes-2-trillion-first>.
- SIPRI. (2019). Global arms trade: USA increases dominance; arms flows to the Middle East surge. says SIPRI, Access Date: 11 March: <https://www.sipri.org/media/press-release/2019/global-arms-trade-usa-increases-dominance-arms-flows-middle-east-surge-says-sipri>.
- SIPI. (2022). World military expenditure passes \$2 trillion for first time. Access Date: 25 April: <https://www.sipri.org/media/press-release/2022/world-military-expenditure-passes-2-trillion-first-time>.
- Stohl, R. (2021). Improving U.S. Conventional Arms Policies. Arms control Association, Access Date: January/February: <https://www.armscontrol.org/act/2021-01/features/improving-us-conventional-arms-policies>.
- Stohl, R. (2008). Questionable Reward: Arms Sales and the War on Terrorism. Arms control Association. Access Date: 2008: <https://www.armscontrol.org/act/2008-01/features/questionable-reward-arms-sales-war-terrorism>.
- Sanders, G. (2021). Arms Trade Reform Options for the New Administration and Congress. Center for Strategic and International Studies (CSIS). Access Date: February 5: <https://www.csis.org/analysis/arms-trade-reform-options-new-administration-and-congress>.
- Snyder, G. H. (2002). Mearsheimer's World Offensive Realism and the Struggle for Security. *International Security*, 27(1), 149–173.
- Toft, p. (2005). John J. Mearsheimer: an offensive realist between geopolitics and power. *Journal of International Relations and Development*, 8(4), 381–408.
- Thrall, T., Dorminey, C. (2018). Risky Business: The Role of Arms Sales in U.S. Foreign Policy. CATO INSTITUTE: POLICY ANALYSIS, NO. 836. Access Date: March 13: <https://www.cato.org/sites/cato.org/files/pubs/pdf/pa-836.pdf>
- Wezeman, P., kuimova, A., Wezeman, S. (2021). TRENDS IN INTERNATIONAL ARMS TRANSFERS. Access Date: March: [https://sipri.org/sites/default/files/2021-03/fs\\_2103\\_at\\_2020.pdf](https://sipri.org/sites/default/files/2021-03/fs_2103_at_2020.pdf)

- Wezeman, P D. (2018). Saudi Arabia, armaments and conflict in the Middle East. SIPRI, Access Date: December: <https://www.sipri.org/commentary/topical-backgrounder/2018/saudi-arabia-armaments-and-conflict-middle-east>.
- Wivel, A. (2017). Realism in Foreign Policy Analysis. *politics*, Access Date: 26 September: <https://oxfordre.com/politics/view/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-475?print=pdf>.
- Willardson, S. L., Johnson, R. (2021). Arms transfers and international relations theory: Situating military aircraft sales in the broader IR context. *Conflict Management and Peace Science*, 39(2), 1-23. <https://doi.org/10.1177/0738894221992034>.
- WEISS, A. (2021). Managing Russia's Ambitions. *The Carnegie Endowment for International Peace*, 1-6. Access date: May 18: <https://carnegieendowment.org/2021/05/18/managing-russia-s-ambitions-pub-84528>.
- wezeman, p., kuimova, A., fleurant, A., da silva, D., tian, N., wezeman, S. (2020). TRENDS IN INTERNATIONAL ARMS TRANSFERS, 2019. SIPRI. Access Date: March: [https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-03/fs\\_2003\\_at\\_2019.pdf](https://www.sipri.org/sites/default/files/2020-03/fs_2003_at_2019.pdf).
- Ward, A. (2021). The US may still be helping Saudi Arabia in the Yemen war after all. *Vox*. Access Date: Apr 27: <https://www.vox.com/2021/4/27/22403579/biden-saudi-yemen-war-pentagon>.
- Zunes, S. (1999). Continuing Storm: The U.S. Role in the Middle East. *institute for policy Studies*, Access Date: April 1: <https://www.google.com/search?q=Continuing+Storm%3A+The+U.S.+Role+in+the+Middle+East%2Cinstitute+for+policy+Studies%2C&oq=Continuing+Storm%3A+The+U.S.+Role+in+the+Middle+East%2Cinstitute+for+policy+Studies%2C&aqs=chrome.69i57.58lj0j7&sourceid=chrome&ie=UTF-8>.
- JORDÁN, J. (2018). El conflicto internacional en la zona gris: una propuesta teórica desde la perspectiva del realismo ofensivo. *Revista Española de Ciencia Política*, 48 (4), 129-151, Doi: <https://doi.org/10.21308/recp.48.05>.
- Revista del Instituto Español de Estudios Estratégicos. (2019). Security policies in the Maghreb from the perspective of offensive realism. 13 (1), 47 - 78.
- Vito, C. (2020), EL MODELO GEOPOLÍTICO DE LOS PARTIDOS INTERNACIONALES ENTRE EL REALISMO OFENSIVO Y LA GEOPOLÍTICA CRÍTICA. *Revista Electrónica Iberoamericana*, 14(2), 166-189.

